

مطرح است

یک نفر از نمایندگان - هنوز طبع

و توزیع نشده است

رئیس - طبع و توزیع شده است

آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - راپرت شعبه راجع

به نماینده بوشهر هنوز طبع و توزیع نشده

است و به هیچ کسی داده نشده است

رئیس - بودجه عدلیه از ماده هشتم

مطرح است

رئیس الوزراء - چند روز قبل

از طرف مقام ریاست بوزیر است و تلگراف

اطلاع داده شده که بعضی از نمایندگان

محترم از ایشان استیضاح نموده اند دولت

در نظر داشت از مجلس تقاضا کند که وقت

استیضاح را معین کنند و قانوناً هم دولت

حق داشت که استیضاح را بتأخیر اندازد ولی

چون در جلسه یریروز بدولت تذکر داده

شده بود که چرا برای استیضاح حاضر نمیشود

لذا تقاضا می کنم موقع استیضاح راهروقت

آقایان نمایندگان معین کنند حتی اگر عجله

هم دارند دولت حاضر است همین امروز

جواب استیضاح را بدهد

رئیس - آقای ملک الشعراء

(اجازه)

ملک الشعراء - حالا که دولت برای

جواب استیضاح حاضر شده اند بنده پیشنهاد

میکم که مجلس همین امروز را برای

استیضاح وقت معین کند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده هم همین

تقاضا را داشتم که چون دولت برای

استیضاح حاضر شده است خوب است همین

امروز تکلیف استیضاح معین شود

رئیس - آقای نجات

(اجازه)

آقای میرزا محمد نجات - بنده

چون موضوع را خیلی مهم میدانم تقاضا

می کنم بعد از تنفس وقت استیضاح معین شود

و این مسئله را پیشنهاد میکنم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله

(اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بلی اگر

مجلس رأی بدهد که استیضاح همانند برای

بعد از تنفس یا فردا البته رأی مجلس مطلع

است ولی بنده چنانچه آقای نجات فرمودند

به مسئله استیضاح این قدر اهمیت نمیدهم

و استیضاح را یکی از مسائل عادی مشروطیت

می دانم يك استیضاحی از طرف جمعی از

نمایندگان شده است و دولت هم در مقابل

جوابهایی خواهد داد و بالاخره رأی مجلس

حکومت دارد مقصود این است آنطور که

می فرمایند اهمیت دارد چنین نیست و یکی

از امور عادی مملکت مشروطه است

آدم ماهی هفتاد پنج تومان بعنوان حقوق

معلمی از تلگرافخانه میگیرد و سندش را

هم دارم در صورتی که معلمی هم نمیکند و

آن معلم بدیهت که نان ندارد و جان میکند

باید تعطیل و گرو کند شش ماه هفت ماه

حقوقش عقب بیفتد خیلی چیزهای دیگر

هست که بنده اسنادش را دارم بصرف این

که اکثریت پشتیبان این

حکومت است نباید وزیر و وبال هر حکومتی

را بعهده خودش بگیرد و خودش نباید

بگذارد اینطور بشود

(بعضی گفتند صحیح است)

آقای سید یعقوب - (با صدای

بلند) وکیل که از وکیل استیضاح

نمی کند پشت تریبون استیضاح میکنند تا

ما هم جواب بدهیم اکثریت همه همراه

هستند

ملک الشعراء - همین تدبیر برای

قرار داد کنفرانس داده

(همه هم و داد و فریاد بین نماینده گان)

در این موقع آقای رئیس از مجلس خارج

و نمایندگان نیز با داد و فریاد و همه

خارج گردیدند و دیگر مجلس تشکیل

نشد

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۱۸۷

صورت مشروح مجلس

یوم سه شنبه بیستم قوس

۱۳۰۱ مطابق بیست

و دوم ربیع الثانی ۱۳۴۱

(مجلس دو ساعت و یک

ربع قبل از ظهر بریاست

آقای مؤتمن الملك تشکیل

گردید)

(صورت جلسه یکشنبه هجدهم

قوس را آقای مستشار السلطنه

قرائت نمودند)

رئیس - آقای حائری زاده

(اجازه)

حائری زاده - راجع به جنس

شیر و ان عرض کردم اهالی حاضرند بفرند

و در صورت جلسه نوشته شده است با يك

ثلث علاوه اهالی حاضر اند بفرند تقاضا

می کنم اصلاح شود

رئیس - آقای عدل السلطنه

(اجازه)

عدل السلطنه - آقای آقا سید حسن

خان راجع و دیر آمده گان بی اجازه نوشته

اند در صورتی که سبب دیر آمدن ایشان

این بود که نزد طبیب رفته بودند و به

توسط بنده هم اطلاع داده بودند

رئیس - دیگر ایرادی نیست ؟

راپورت شعبه اول راجع بنمایند بوشهر

پست موجود بوده ۴۸۹ سری گسر است و در این خصوص بمسئولیت باید توضیحات کامله بدهد.

خامساً در باب تمبر های ناصری ۲۳ سال قبل که در هزار و دو پست و نود و هشت از دو قران الی پنج تومان سوراخ شده مطابق ترتیبات اساسی که مشاهده میشود این کتکرات بمنفعت اداره پست صورت نگرفته و اساس این کتکرات با حاج یعقوب کلیمی منعقد شده بعد از تفحصات معلوم میشود که صورت کتکرات مزبور بیشتر از اداره پست مفقود شده است نتیجه این اعتراض این است که آن کتکراتی که راجع به تمبر های سابق الذکر با حاج یعقوب منعقد گردیده است بضرر دولت و به نفع شخص خودش بوده است باینجه کتکرات را مفقود کرده است در صورتیکه پس کلیمست که خودش طرف انعقاد این کتکرات بوده باید بیشتر مواظبت کند (از نقطه نظر مسئولیت) که این گونه اسناد مفقود نشود لذا عقیده کمسیون این است که باید مولیر در این خصوص توضیحات کافی بدهد سادساً راجع به تمبر های اعلی حضرت سلطان احمد شاهی رایج حالبه و تنزل قیمت آن در فرانسه است بواسطه تنزل قیمت فرانک و هر یک سری تمبر فعلی ایران بقیمت امروزه که در این جا حساب کرده اند هفتاد و چهار قران و نهصد دینار است و در ضمیمه این کاتالوک که آنهم طبع و از آنجا فرستاده شده است قیمت یک سری تمبر فعلی ایران را هفت فرانک و نیم معین می کنند طبعی است که باید بیکمقدار تمبر زائد موجود شده باشد در فرانسه و پاریس تا این که یکمتر یک سری تمبر فعلی باین اندازه تنزل پیدا کرده در صورتی که قبل از این که این کاتالوک طبع شده است بفاصله سه ماهه صد و هفتاد و پنج فرانک قیمت میگذاشته اند باصل هر سری تمبر فعلی در این جا راه حلی که بنظر کمسیون رسیده است این است که چون این تمبر در کارخانه هارلن طبع شده است و در فرانک دستور مقدار تمبر هم همیشه از طرف مولیر داده میشده ممکن است دستور داده است یک مقدار تمبرهای زیادی در آنجا طبع کنند و بعد آن تمبرها در آنجا در دست تاجر تمبر افتاده است و تنزل پیدا کرده است و در این موضوع هم خاطر دارم در همین مجلس صحبت شد و در اینجا اظهار شد که باید در اسرع اوقات جلوگیری از این مسئله شود بکارخانه هارلن نوشته شود و صورت خواسته شود که مولیر چه مقدار تمبر دستور و سفارش داده است و این مسئله اکتف بشود و متأسفانه تعقیب نشد بلکه مطابق اطلاعات بنده این کاتالوک که در ایران منتشر شده بعضی اشخاص بوسیله مقدار زیادی از این تمبر ها خریداری کرده اند و بعد در جوف یا کتبه های سر بسته مثل سایر کاغذ های پستی فرستاده اند به ایران و در اینجا مصرف کرده اند و از این

راه یک خسارت و ضرر کلی وارد آمده سابقاً در موضوع خلاف قانون کردن مولیر نسبت بقانون پست که در مجلس در سابق تصویب شده است ماده ۱۴ آن صریح است براین که کلیه تمبرهایی که در اداره دولتی باید مصرف شود باید وزارت مالیه تصدی طبع و تهیه اش بشود و بعد بسایر ادارات و دوائر بفرستند از روزی که این قانون در مجلس وضع شده است مولیر اهتتائی باین ماده قانون نکرده است و خودش مستقیماً طرف بوده است با کارخانه ها رسن درخواستن هر مقدار تمبریکه می خواسته حالاً در آن دوره و زراه وقت متذکر باین نکته بوده اند باینکه بدهاند که این ماده ۱۴ قانون پست مسئول اجرائش وزارت مالیه است نه اینکه مسیو مولیر رئیس پست حالاً نکرده اند باینکه چرا رسیدگی نشد باین موضوع که از زمانیکه تصدی طبع تمبر ها بوده است بواسطه کارخانه هارلن چه مقدار دستور داده و چه مقدار بایران آمده اند و یک راه حل آسانی است و ممکن بود بدفتر کارخانه مراجعه کنند زیرا کارخانه هارلن یکی از کار خاهاهی مطمئن است البته بعد از رسیدگی معلوم می شود اما راجع بسریهای تمبر بین المللی مطابق نظامنامه اساسی دفتر بین المللی پست مالیکی که داخل در اتحاد پستی هستند اینطور قرار داده اند که در هر موقعی که تمبر آن مملکت تغییر کند ۳ سری از آن تمبرها را برای سایر ممالک میفرستند و این مسئله از سابق تا کنون معمول بوده است و در ایران هم متداول بوده است که در هر مرقی که تغییری در تمبرهای ایران حاصل میشده و دولت ایران ۳ سری از تمبرهای خود را برای دولت های اتحاد پستی می فرستاده و بحساب دولت وارد می شده از سنه ۱۳۱۹ تا سنه ۱۳۴۱ با این همه تغییراتی که در ممالک اتحاد پستی حاصل شده معیناً معلوم نیست این تمبرهایی که قاضیاً بایران آمده چه شده است بعد از مراجعه بمولیر توضیح می دهد که بنده بطور کلی جوابهای او را عرض می کنم اولاً اظهار می دارد تمبرها را برای شخص من که رئیس پست بودم می فرستادند بنابر این من این تمبرهای یوغهر را بارویا بردم بیک قسمتی را بدوستان و رفقایم بطور هدیه اعلا نمودم و یک قسمت دیگر را در فلان جایر ادم دادم و یک قسمت در فلانجا فروختم و آن تمبرهای بین المللی هم که بنا بوده است از اروپا بیاید بیک قیمت آنها هم در کشتی فروخته شده و بیک قسمت دیگرش هم مال خودم بوده و بیاد کار بدوستان و بعضی دیگر هدیه داده ام که در کمسیون خودشان جمع کنند. بالاخره رای کمسیون در این باب این است که این اظهار مولیر راجع بتمبرهای بین المللی که می گوید برای شخص رئیس پست فرستاده میشده این حرف مسدوع نیست زیرا نه بعنوان اداره مونه ریاست پست فرستاده

می شود نه بعنوان شخص رئیس بلکه بعنوان دولت فرستاده میشود در یک ماده از نظام نامه تصریح می کند که در موقع تغییر تمبر هر دولتی ۳ سری از تمبرهای جدید خود را برای دولتی که داخل اتحاد پستی هستند می فرستند باین جهت است که در اینجا می نویسد تمبرهایی که از ایران بدفتر برن ارسال شده برای توزیع بدفاتر اتحاد پستی است و مسیو مولیر قاضیاً می بایستی این تمبرها را بحساب دولت محسوب می داشت نه بحساب شخص لذا ما امضا کنندگان ذیل مطلب را هم و قابل تعقیب می دانیم اعتراضات دیگری هم هست که این جا حاضر است ولی برای اینکه آقایان را زیاد خسته نکرده باشیم همین اکتفا کرده و عرض میکنم آقایان این است وضعیت !!! این است رایرت ! البته بنده خیلی علاقمند هستم باین که همانطور که دراول عرض کردم بانظر بی طرفی و قضاوت عادلانه امروز مجلس در این موضوع حکمیت کند و چون این موضوع یک موضوع عمومی است و راجع بیت المال است خدا شاهد است است که هیچ نظر دسته بندی و خصوصی در این مسئله نداریم و نباید هم داشته باشیم و البته هر طور آقایان قضاوت کردند البته محترم و متمتع خواهد بود نایب رئیس - آقای داور هم در موضوع استیضاح فرمایشانی دارند میرزا علی اکبر خان داور - همه حس کردم که آقای وزیر پست و تلگراف میخواهند جوابی بدهند و حید الملک وزیر پست و تلگراف - بعد از اینکه ایشان اظهارات خود را کردند جواب عرض میکنم حاضر زاده - دو مخالف نمی توانند با هم حرف بزنند نایب رئیس - الزام بجواب که نمی توانم بکنم. آقای میرزا علی اکبر خان داور - بنده قبل از اینکه داخل در اصل موضوع و آن قسمتی که میخواهم بعرض برسانم بشوم خواستم آن قسمتی را که آقای تدین فرمودند بعرض برسانم و آن مسئله قضاوت مجلس است البته یک دستجاتی بالطبع همیشه در پارلمان ها و مجالس دیده میشود که آنها با یکم با هم داشته باشند ولی یک مسائلی است که باید همه در او شراکت داشته باشند و قطع دارم در مجلس ما هم همین طور است و آن مصالح مملکت است منتهی هر کس مصالح و منافع مملکت را از یک نظر تشخیص میدهد ولی در اصل موضوع با هم متفق و شریک هستند این است که اصلاً استیضاح موضوع خارجی پیدا کرد و اگر تصوری شد که همیشه استیضاح از طرف عده کمتری باید بشود و عده ای دیگر از نقطه نظر اکثریت

قضا یا را حل کند اصلاً صورت خارجی پیدا نمی کرد این ما هم با اطمینان باینکه مجلس ملی واقعاتاً قضاوت خواهد کرد و باینکه عده از و کلاه تصور کرده اند باینکه مصالح مملکت بوده است همین که در اصل آمد و مطرح شد و وزیر هم دلایل را گفت مجلس ام از اکثریت با اکثر همه باینکه بی طرفی و خون سردی آن را نگاه کرده و حل خواهند کرد با این نظر است که ما این مسئله را در این مطرح و خواستیم حل بشود بنده بطور تفصیل نمی خواهم در ماهیت دعوای شوم زیرا آقای تدین اسناد و مدار که نسبت بمسئولیت مولیر در دست دارند ارائه دادند بنده فقط جلسه قضائی این مسئله را می خواستم بعرض آقایان برسانم یک نفر مستخدم دولت ایران در یک امر اولاً برخلاف نزاکت چیزی نوشته و تمبر کرده و یک نفر وزیر مسئول در مجلس اظهار داشته این شخص قابل اخراج است این ها را عجالتاً کنار می گذارم فقط عرض میکنم یک نفر مستخدم طرف سوهل واقع شده و بعد از یک صحبتی که در مجلس باخارج بیان آمده این مستخدم متهم شده و سوهل نسبت باو قوت پیدا کرده و یک قرائتی هم در دست آمده خود دولت هم این مسئله را قابل مطالبه و دقت دانسته است و یک کمسیون تشکیل داده و کمسیون هم ایرادات و اعتراضات که براین شخص مستخدم وارد شده آن را محل دقت قرار داده دلایل و اطوار او را دیده و یک رای مقتضای داده است بالاخره اظهار داشته این مستخدم در این موضوع قابل تعقیب است و اگر این کمسیون خودش را دارای صلاحیت و قضاوت می دانست مسلماً او را محکوم می کرد ولی چون خود را برای قضاوت صالح ندانست رایرتی نسبت باخلاصات این شخص داده رای داده که باید محاکمه و تعقیب شود می خواهم به بینم وزیر پست و تلگراف در همه موقی چه تکلیفی دارد؟ بنده بطور خلاصه عرض می کنم یک یک وزیر مسئول تقصیر اعضای خودش نیست در وزارتخانه ؟ و ممکن است یک نفر خلاف وظیفه رفتار و دزدی کند و آن شخص وزیر رانی توان مسئول دانست و قتیکه به شخص وزیر اطلاع رسیده قضا یا مستعصر گشت باید مسئله را از مجلس تعقیب و از دزدی و اختلاس بالاخره از اختلال اداره جلوگیری کرد و باید کاری بکنند که وظیفه وزیر پست و تلگراف بنده آنچه عقیده دارم این است که پس از رای این محکمه اگر یک محکمه مولیر را محاکمه کرده باشد و حکم بر این نیست یا این که با شخصی که برای این تحقیق مقدمات معین فرموده اید اعتماد داشته اند

بد از رسیدگی مقام صالح تری او را محاکمه و تبرئه کرده است. در این صورت برشمام که وزیر مستند مسئولیتی متوجه نیست ولی آنچه بنده اطلاع دارم این است که بعد از آن تحقیقات مقامی و آن رای که کمسیون خودش را صالح نمیدانسته داده دیگر مولیر در یک محکمه که صلاحیت قضاوت داشته باشد در این صورت از آقای تدین است این اشخاص را حاضر کنید و این کمسیون را تشکیل بدهید !!! اگر استدلال بنده در این قسمت که اساس اصلاح اداره بر تعقیب و مجازات اشخاصی است که برخلاف ترتیب رفتاری می کنند صحیح باشد و اگر آن مرضی که بنده کردم راجع باینکه مسئله مولیر نظریه مطرح شدن در مجلس و نظر به ماهیتی که در اطراف او پیدا شد یک اهمیت مخصوصی داشت بطوری که نمی شود او را با سایر اختلافات حدسی مقایسه و تصور کرد و در آن رویف محسوب داشت و اگر رای کمسیون همین بوده است که در این جا خوانده شد و صحیح باشد و البته صحیح هم بوده است در این صورت تکلیف شما که مجلس بشما اعتماد داشته و شما را برای جلوگیری از همین خطایا معین کرده است این بود که مسئله را تعقیب و بالاخره محکومیت یا تبرئه آن شخص را از یک محلی که صلاحیت داشته است بخواهید و این کار نشده است و با همه تذکراتی که بشما داده شده است باز باین شخص یک مأموریت تازه داده اید و تصور می کنم که اگر معلوم شود یک محکمه او را تبرئه نکرده است باینکه نظر و خونسردی و بی طرفی که الان در قیافه همه مشاهده می کنم بنده اطمینان دارم وقتی که مراجعه و ملاحظه کردند و دیدند یک محکمه که صالح باشد او را تبرئه نکرده است آن وقت باید و اقلاً آقای وزیر پست و تلگراف را طرف مسئولیت خیلی بزرگی قرار داد و بنده بیش از این نمی خواهم توضیحی بدهم البته بعد از این که آقای وزیر توضیحات خود را دادند اگر متقاعد شدم که هیچ والا باز هریضی داشته باشم عرض خواهم کرد وزیر پست و تلگراف - شاهزاده سلیمان میرزا هم فرمایشات خودشان را بفرمایند.

در این صورت وقتی که آن اشخاص دلایل مولیر و دفاعیات او را قابل توجه و ملاحظه ندانسته و مشارالیه را قابل تعقیب دانسته اند شما باید حکمت و قضاوت این مسئله را بیک محکمه عالی تری مراجعه بدهید که آن محکمه تکلیف کار را معین کند و اگر هم اعتماد نداشته اید در این صورت اقلانی بایستی این اشخاص را حاضر کنید و این کمسیون را تشکیل بدهید !!! اگر استدلال بنده در این قسمت که اساس اصلاح اداره بر تعقیب و مجازات اشخاصی است که برخلاف ترتیب رفتاری می کنند صحیح باشد و اگر آن مرضی که بنده کردم راجع باینکه مسئله مولیر نظریه مطرح شدن در مجلس و نظر به ماهیتی که در اطراف او پیدا شد یک اهمیت مخصوصی داشت بطوری که نمی شود او را با سایر اختلافات حدسی مقایسه و تصور کرد و در آن رویف محسوب داشت و اگر رای کمسیون همین بوده است که در این جا خوانده شد و صحیح باشد و البته صحیح هم بوده است در این صورت تکلیف شما که مجلس بشما اعتماد داشته و شما را برای جلوگیری از همین خطایا معین کرده است این بود که مسئله را تعقیب و بالاخره محکومیت یا تبرئه آن شخص را از یک محلی که صلاحیت داشته است بخواهید و این کار نشده است و با همه تذکراتی که بشما داده شده است باز باین شخص یک مأموریت تازه داده اید و تصور می کنم که اگر معلوم شود یک محکمه او را تبرئه نکرده است باینکه نظر و خونسردی و بی طرفی که الان در قیافه همه مشاهده می کنم بنده اطمینان دارم وقتی که مراجعه و ملاحظه کردند و دیدند یک محکمه که صالح باشد او را تبرئه نکرده است آن وقت باید و اقلاً آقای وزیر پست و تلگراف را طرف مسئولیت خیلی بزرگی قرار داد و بنده بیش از این نمی خواهم توضیحی بدهم البته بعد از این که آقای وزیر توضیحات خود را دادند اگر متقاعد شدم که هیچ والا باز هریضی داشته باشم عرض خواهم کرد وزیر پست و تلگراف - شاهزاده سلیمان میرزا هم فرمایشات خودشان را بفرمایند.

معترم آقای تدین خودشان اظهار فرمودند که در زمان اهتلا السلطنه وزیر سابق پست و تلگراف یک سؤالاتی از وزیر وقت شده و مولیر هم از کار معاف گشته وقتی که بنده تصدی وزارت پست و تلگراف شدم مولیرتی در اداره پست وجود نداشت مستخدم هم نبود چنانچه امروز هم نیست و در حقیقت سؤالاتی که از بنده شده طرف بنده نبود و امروز هم نیست ولی در تعقیب سؤالاتی که اینجا از بنده شد که یکی از سؤال کننده ها هم نماینده محترم بودند بنده از نظر خودم خودم را مکلف دیدم که این موضوع را تعقیب کنم و از برای خودم یک کشفیاتی بکنم از طرف دیگر هم یکمده از رؤسای خیلی خوش سابقه پست یعنی آقاهائی که در موضوع مسیو مولیر نظریاتی داشتند و نظریات آنها را هم از همان اول و بدایت امر محترم می شردم لذا موضوع را تعقیب کردم و در برابر همانطور که نماینده محترم آقای تدین فرمودند یک کمسیون تشکیل شد از چهار پنج نفر نمایندگان محترم و چهار پنج نفر از آقایانی که سابقاً تصدی وزارت پست و تلگراف بوده اند من جمله آقای سیهار اعظم هم حضور داشتند همانطور که فرمودند این موضوع مطرح شد که ما بچه سمت در اینجا آمده ایم و این دعوت از چه نقطه نظر است خدمت آقایان عرض کردم وزارت پست و تلگراف مستقیماً در موضوع مسیو مولیر یک نظریاتی ندارد برای اینکه مولیر دیگر مستخدم پست نیست و ما بین او و سفارت متبویه او دولت ایران یک مکاتبات و مراسلاتی رد و بدل شده است که دیگر وزارت پست و تلگراف او را مستقیماً مستخدم خودش نمیدانند و برای کشف حقیقت قضا یا چند نفر چه از آقایانی که سابقاً در آن وزارت دارند و چه از آقایانی که در خود مجلس نظریاتی دارند دعوت شده اند که در اینجا یک تحقیقات و تفقشاتی در کار مولیر بکنند این موضوع هریض و مذاکرات بنده بود آقای تدین فرمودند ما بچه سمت در اینجا جمع شده ایم این کمسیون قضاوت است کمسیون تعقیب است کمسیون تقیض است یک محکمه چنانی است بنده عرض کردم عجالتاً این کمسیون تحقیق است تدین - اظهار کردند کمسیون استماع است وزیر پست و تلگراف - بنده گفتم طرف را حاضر میکنم که هر چه این کمسیون رای داد عمل کند آنچه که بنده در فکر خود الان حاضر دارم ترتیب این بود در همان کمسیون یک اظهاراتی شد که آقایان حاضر بخصوص آقایان نمایندگان صلاحیت اینکه حکمیت بکنند و در یک مسئله چنانی حکم بدهند ندارند یعنی نمی توانند خود

بکتاب خانه مجلس تقدیم می شود و من خیلی علاقه مند هستم باین که این کتاب خانه کلام را بشناسد و این را میفرمودند خیلی خوشوقت می شدم و خیلی خوب بود حالا برمی گردم بیک مسئله دیگری که در استیضاح بود و در آن خصوص سایر رفقای بنده چندان صبر نمی کردند زیرا معلوم است که مولیتز خلاف کاری بسیاری کرده است و صورت دوسیه و اسنادی که خوانده شده است جای تردیدی برای کسی باقی نمی گذارد و باید جبران بشود و یک قسمت از جبرانش هم این است که آن تبرهائی را که برده است یک قسمتش را هم بطوری که مجلس در این موضوع رای قبول کرده بگیرند و بنده بملکت و سایر قسمتهایش راهم بطوری که مجلس در این موضوع رای بنده مطاع و معتبر است اما در مسئله استیضاح اگر آقایان فراموش نفرموده باشند دو مسئله بود یکی مسئله مولیتز و یکی هم مسئله دیگری که بنده می خواهم عرض کنم -- و هر دوی این مسائل از نقطه نظر رعایت حفظ قانون اساسی است و نگاهمداری اموال دولت و ترتیب قوانینی که راجع باداره شدن مالیه مملکت است علاوه بیکماده دیگری در قانون اساسی است و اگر اجازه می دهند بنده عرض کنم آن این است که برخلاف بودجه مصوبه نمی توان هیچ چیزی را تصدیق کرد و اعتباری هم که برای وزارت پست معین شد ترتیب معارجش معین است ممالک بعضی مضارح اضافه بر بودجه مصوبه شده است و اسنادی که در بروی من است معین اسنادی است که در دفتر وزارت خانه است و گفته میشود که وزارت پست و تلگراف از اول اسد تا بیست و یکم هرب یک عده بلیط مجانی باشخص داده است و مطابق این صورتی که نمره دفتر و عدد بلیط و تعیین مقصود در دست است که خواندنش باعث طول کلام است ۱۷۵۶۰ تومان از مالیه دولت بعنوان بلیط مجانی داده شده است و در ضمن این صورت دیده میشود که از بابت کرایه حمل چند خوراک آورده است حالا من نمی دانم چطور شده است پول دارند آردش را بفرند آیا استطاعت کرایه حمل آن را ندارند فقط فقط نظری که در این جا هست تصرف در اموال عمومی است بدون تصویب مرکز صلاحیت دار آن که مجلس است بنده می خواهم ببینم مطابق کدام مجوز قانونی ۱۷۵۶۰ تومان از مالیه دولت بملکت و مصرف کرده ام مجلس شورای ملی که چنین زانی نداده است و اگر از مبلغ اعتبارات باشد که برای بلیط مجانی که کرایه حمل آرد نیست پس مطابق کدام مجوز قانونی بکودم می تواند ۱۷۵۶۰ تومان از مالیه مملکت را با اشخاص بنده و هر کدام را بخواهند با نرو و تاریخ کناره

بلیط برای ایشان مرض می کنم هیچ جای تردید نیست حالا مسئله اعتماد و عدم اعتماد را می گذاریم کنار باید ترتیب مصرف شدن مالیه دولت با اجازه مجلس باشد چگونه میتوان از سبب و پنجاه هزار تومان مالیه مملکت صرف نظر کرد از یک مقدار تمبری که آقای وزیر لفت انگلیسی آن را فرمودند یعنی تمبر های خصوصی که برای رئیس اداره پست فرستاده اند زیرا اگر برای مولیتز می فرستادند چرا حالا نمی فرستند حالا هم باید بفرستند یا اینکه مبلغی بابت بلیط مجانی و کرایه حمل آرد بنده و یکمطلب دیگری هم هست و آن این است که ما در مجلس قانونی گذرانده ایم که دو کار را نمی توان در آن واحد بیک نفر واگذار کرد پس چگونه حواله مسافرت و مراد تحت نمره ۱۷۱۱ گرفت و از عایدات مملکت برداشت در صورتی که شخص وزیر باشد حالا صیبا نه و دوستانه صحبت می کنیم چگونه ممکن است شخصی که وزیر است از بابت حقوق معلی سنبله و میزان و عرق حقوق بگیرد در صورتی که معلم و آژان هنوز چند ماه حقوق طلب دارند مسئله دیگری را هم بقید تردید عرض می کنم هر چند که صورتش اینجاست اما چون نمره مند قبض را نمی دانم عرض می کنم که بقید تردید تلقی بفرمایند از اقراری که شنیده ام از بابت روز نامجات هفت وزیر هم ۲۵ تومان و دو قران بصندوق تلگرافخانه حواله شده است اما چون نمره حواله را نمی دانم عرض می کنم بقید تردید تلقی بفرمایند اما سایر حوالجات که نمره اش در دست است کاملاً صحیح است مثلاً اگر نمره ۱۷۲۱ چک را بیرون بیاورند معلوم میشود مضارح مسافرت درم است یا سایر حوالجات که در ۱۴ اسد و نهم عرق صادر شده اگر مراجعه بفرمایند می بینند حقوق معلی مدرسه دارالفنون است حالا آقایان قضاوت بفرمایند مالیه مملکتی که چهار یک فقره مالیه است و هر روز از نظر کسر بودجه در فشار هستیم و چندین ماه است که حقوق مملدین و آژان های آن نرسیده است ملاحظه بفرمایند چطور مصرف میشود حالا بنده در کمال ملالت سؤال می کنم اگر کسی رئیس خانواده باشد آیا مضایقه می کند از اینکه ما بستان آن ها را برساند یا اینکه اول حقوق خودش را بر می دارد آیا از نقطه نظر اخلاق و انصاف صحیح است ولو اینکه حقوق قطعی او باشد تا چه رسد باینکه بدون تصویب مجلس و مجوز قانونی باشد و از این مالیه فقیر مملکت بکند ۳۰۰ هزار تومان یا ۲۹ هزار تومان آن مبلغی که تمبر فروش های طهران می خردند گذشت و بنده بیش خودم ولو اینکه این مسئله در دو رده دوم

اتفاق افتاده بود که بنده آقای وحید الملک با همدیگر در جزو یک قسمت بودیم اگر آنوقت هم از ایشان یک چنین مسئله می شنیدم و اگر اکثریت هم پیدا می کردیم که ایشان وزیر و جزو کابینه باشند آنوقت هم بایشان اشکال میکردیم حالا مقصود اکثریت و اقلیت نیست خدای نکرده از این جمله مقصودی داشته باشیم و سایر رفقای مجلسی بنده با این مطالب شاید مغایر نباشند و الا من بخودم حق میدهم که از طرف تمام و کلای مجلس از همه دسته عرض کنم که تمام ماها مطابق قانون اساسی باید در حفظ اموال عمومی نظارت داشته باشیم و همه در این مسئله متفق- الکله هستند و در این جا نظریه اقلیت و اکثریت نیست حالا چون مسأله مالیه بود این دو مطلب اخیراً هم ذکر کردم والا آنها در جزء استیضاح نبود برای این عرض کردم که آقایان قضاوت بفرمایند چطور می شود گذاشت که یک مبلغی از مالیه مملکت خیف و میل شود که گمان میکنم هیأت دولت هم موافق نباشند و حتی- الامکان باید دقت کرد که عایدات مملکت بمصرف خودش برسد و اگر این مطالب کاملاً برای ایشان واضح نباشد از این اظهارات طولانی گمان می کنم در صدد جبران بر آید در هر حال وظیفه ماها تذکر است همانطور که آقای تدین در بدو امر فرمودند بنده در خانم هرا بضم عرض می کنم حکومت با و کلای مجلس است قطع نظر از اقلیت و اکثریت و هیأت مؤتلفه هر طور که اکثریت حکمت کند مطاع و متبع است و ما هم آن را متمرع خواهیم مرد رئیس الوزراء - بنده باید از جلسه امروز خیلی اظهار تشکر کنم زیرا یک مسأله که حقیقتاً افکار را مشغول کرده بود امروز مطرح شده است و حقیقت و روهن می شود باین جهت بنده لازم می دانم یک اجمالی از اطلاعات مفصل خودم را برای اطلاعات آقایان بر عرض برسانم و همانطور هم که آقایان فرمودند قضاوت این امر را بمجلس واگذار می کنم در سال قبل تقریباً اوائل جوزا بود که من مأمور تشکیل کابینه شدم بعد از تشکیل کابینه که دو آنوقت مولیتز از خدمت اداره پست متفصل شده بود و بنده خدمت آمد و نظم کرد که بدون هیچ جهت مرا از کار متفصل کرده اند مراجعه مولیتز بمن از دو نقطه نظر بود یکی اینکه من رئیس دولت بودم و البته باید بمن مراجعه کند و دادخواهی کند و دیگر اینکه می دانست من بسابقه احوال او مطلع هستم بطوری که در مجلس مذاکره شد مولیتز تقریباً ۱۰ سال است در اداره پست خدمت کرده است و قبل از آن هم در اداره گمرک خدمت می کرده و تقریباً ۲۰ یا ۲۲ سال در مملکت ایران مشغول خدمت بوده است و بنده هم در زمان سابق تصدی مشاغل دولتی بودم

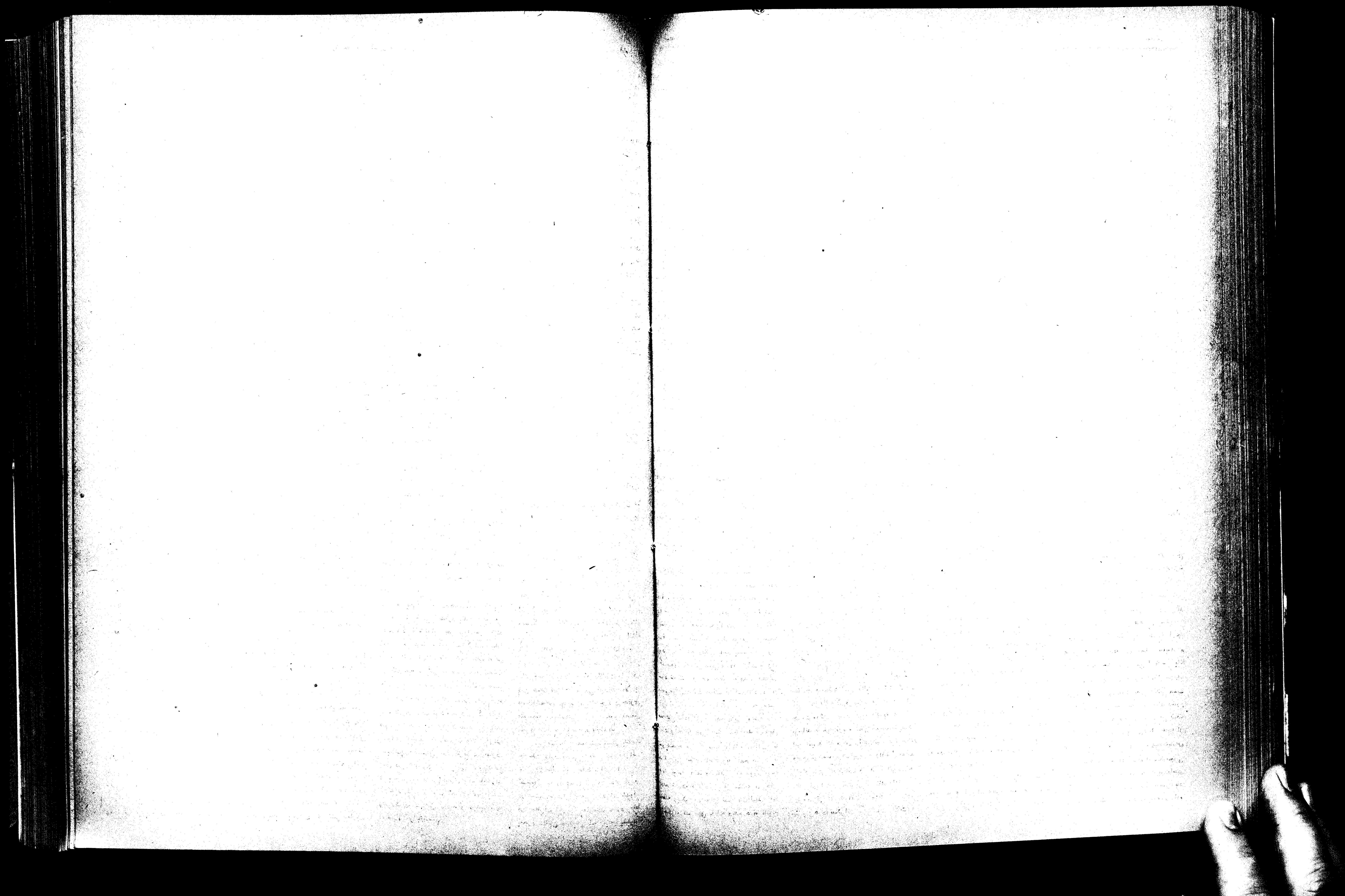
از اخلاق مأمورین بی اطلاع نبوده ام و مولیتز راهم همیشه بیک نفر مستخدم وظیفه شانی و درستکار می دانستم و در مواقع لازمه مطالبی که باو مراجعه میشد همیشه امتحان کرده بودم مثل بیک نفر مستخدم وظیفه شانی و مثل یک شخص فوق العاده ایران دوست و مصالح مملکت ایران را حفظ میکرد و اسامی باینجهت وقتی بنظرم تظلم کرد البته مجبور بودم مطابق وظیفه رسمی که داشتم نسبت بعللی که موجب انفصال او شده بود تحقیقات کنم در تحقیقات هم خیلی دقیق شدم دیدم حقیقتاً نسبت بمولیتز ظلم و تعدی شده است چون وظیفه هر دولت ایران دوست و هر دولتی که بخواهد حقوق مستخدمین را رعایت کند این است که کاملاً در تحقیقات دقیق خود و معین کند که حقیقتاً علت انفصال او صحیح بوده است یا غرض ورزی شده در نتیجه تحقیقاتی که کردم و حالا مقتضی نمی دانم از برای آقایان توضیحات کافی بدهم و بعد نظر باینکه مولیتز یک خدمت فوق العاده بمملکت کرده است و باید در مقابل همچو خدمتی نسبت باو از طرف دولت پاداش مهمی داده شود متأسفانه مولیتز قنای اقرض شده است البته بعد از کشف حقیقتی که من کردم لازم بود نسبت بمولیتز مساعدتی بشود این بود که اطلاعات خودم را بهیأت دولت آنوقت که بعضی از آقایان وزراء حالیه هم عضو آن هیأت بودند گفتند و بالاتفاق تصمیم گرفتیم نظر بمساعدت مهمی که مولیتز کرده است و شاید کمتر اشخاص وطن پرست ایران دوست موفق شوند یک چنین خدماتی بکنند نسبت بمولیتز مساعدت کاملی بشود مساعدتی که نسبت بمولیتز شد از نقطه نظر پاس خدمت او بود این بود که در ثانی دولت او را بر ریاست پست برقرار کرد بعد که دیدند دولت یک چنین مساعدتی نسبت بمولیتز کرده است رفته رفته تدابیر دیگری نسبت باو اتخاذ شد و یک کتابچه چاپ و منتشر شد که در آن کتابچه خیانت های او را نوشته بودند این کتابچه را بنده ندیدم شاید اگر می دیدم رسیدگی میکردم ولی هیچ پیش آمد که من این کتابچه را ندیدم و تا من بودم نسبت باو همه قسم مساعدت شده بود از کار خارج شده و نسبت بمولیتز اظهاراتی شده حتی در مجلس هم مذاکراتی شد که دیگر مولیتز نمی تواند خدمتی که متصدی است مداومت نماید باینجهت او را متفصل کردند مجدداً من مأمور تشکیل کابینه شدم و مولیتز آمد من تظلم کرد نظر به همان سوابقی که داشت تحقیقات کردم دیدم خدمت مهمی بمملکت کرده و نظر به همان اصل مقدسی که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در اینجا اظهار فرمودند تشویق و قدردانی از خدمتگذاری بنده لازم دیدم که نسبت بمولیتز یک مساعدتی و یک قضاوت بعضی

فرموده بادم و بطوریکه آقای وزیر پست و تلگراف گفتند ایشان را مأمور به تشکیل کسین کردم که در آن کسین اشخاصی که باهمال و افعال مولیتز سابقه داشتند حاضر شوند و چند نفر از نمایندگان هم حضور بفرمایند و به نسبت هایی که باو داده می شود مراجعه کنند تا حقیقت کشف و معلوم شود بطوریکه اظهار شد آن کسینون بی نتیجه ماند و مولیتز هم در حال تظلم باقی ماند بعد ایشان را مأمور کردم یک کسینون در وزارت پست و تلگراف تشکیل دادم و مشغول رسیدگی شدند ولی نظر باینکه امستخدام پست نبود و اعضاء آن یک طرفیتی با او داشتند در آن کسینون نظامی انگلیسها در بندر بوشهر تبرهائی را کار کرده اند در این خصوص از خود مولیتز سؤال شد که آیا شما تبره ها را برده اید فروخته اید او انکار کرد و گفت من بعضی از آنها را وقتی بمادر دیدم برفتم با تبره های دیگر مبادله کردم و بعضی را بطور هدیه و عطیه دادم و این را از نقطه نظر صرفه جوئی کردم زیرا اگر اینطور نبود ناچار بودم یک اعتبارات دیگری از دولت تقاضا کنم بمن بدهند که در این موقع بتوانم یک هدایائی را با اشخاص که لازم است بدهم آقایان در نظر دارند در آن موقع اعتراضی که من کردم این نبود که چرا تو این تبره ها را فروختی بلکه باو گفتم که تو چرا این تبره ها را بمصرف رساندی که بایستی این تبره ها را می سوزانیدی و معدوم می کردی زیرا ننگ و افتضاح است که همچو تبره های در اداره پست ایران باشد (جمعی از نمایندگان صریح است) اما راجع به تبره های بین المللی هم تحقیقات شد اولاً سری های تبر بین المللی را که برای دولت متحابه پستی من جمله ایران می فرستد یک مقدارش همان طور که آقای وزیر پست و تلگراف گفتند تبره های باطله است که قیمت ندارد و یک قسمش هم اگر قیمت دارد هایسته نیست که دولت آن تبره ها را جهت نمونه می فرستد در بازار بفرشند پس این تبره ها یک دارائی برای دولت نمی شود که بگوئیم صد هزار تومان یا دویست یا سیصد هزار تومان قیمت داشته باشد مولیتز مدعی بود که این تبره ها برای رؤسای پست فرستاده می شود و اشخاص دیگر که از وزارت پست و تلگراف اظهار اطلاع می کردند میگفتند برای اداره پست فرستاده می شود این مطلب محتاج به تحقیق بود و البته تحقیق کردیم این تبره های که فرستاده می شود برای چیست و رئیس پست می تواند به مصرف برساند یا خیر و بر کس جواب رسید که این تبره ها را برای رئیس پست می فرستند و اداره پست او می تواند بمصرف برساند و از برلر مجمع اتحاد پستی تلگراف رسید که این تبره ها را برای اداره پست می فرستند و اداره پست بهر مصرفی که بخواهد می تواند در واقع مضمون هر دو تلگراف یکی بود حالانته

نظامنامه اداری و دستور و زارتی نیست که تبره های باطله را در ادارات دولتی و در وزارت خانه ضبط کنند و برای دولت نگاه دارند در سایر وزارت خانه ها هم تبره های باطله ضبط نمی شود و در جائی معفوظ نمی ماند از وزارت پست هم پرسیدیم یک چنین دستوری هست که تبر را نگاهدارند و بدستور دولت بفرشند معلوم شد همچو دستوری نبوده است بعد دقت کردیم که تبره های باطله از چه قبیل است معلوم شد همچو دستوری نبوده است کدروموقع اغفال نظامی انگلیسها در بندر بوشهر تبره های را کار کرده اند در این خصوص از خود مولیتز سؤال شد که آیا شما تبره ها را برده اید فروخته اید او انکار کرد و گفت من بعضی از آنها را وقتی بمادر دیدم برفتم با تبره های دیگر مبادله کردم و بعضی را بطور هدیه و عطیه دادم و این را از نقطه نظر صرفه جوئی کردم زیرا اگر اینطور نبود ناچار بودم یک اعتبارات دیگری از دولت تقاضا کنم بمن بدهند که در این موقع بتوانم یک هدایائی را با اشخاص که لازم است بدهم آقایان در نظر دارند در آن موقع اعتراضی که من کردم این نبود که چرا تو این تبره ها را فروختی بلکه باو گفتم که تو چرا این تبره ها را بمصرف رساندی که بایستی این تبره ها را می سوزانیدی و معدوم می کردی زیرا ننگ و افتضاح است که همچو تبره های در اداره پست ایران باشد (جمعی از نمایندگان صریح است) اما راجع به تبره های بین المللی هم تحقیقات شد اولاً سری های تبر بین المللی را که برای دولت متحابه پستی من جمله ایران می فرستد یک مقدارش همان طور که آقای وزیر پست و تلگراف گفتند تبره های باطله است که قیمت ندارد و یک قسمش هم اگر قیمت دارد هایسته نیست که دولت آن تبره ها را جهت نمونه می فرستد در بازار بفرشند پس این تبره ها یک دارائی برای دولت نمی شود که بگوئیم صد هزار تومان یا دویست یا سیصد هزار تومان قیمت داشته باشد مولیتز مدعی بود که این تبره ها برای رؤسای پست فرستاده می شود و اشخاص دیگر که از وزارت پست و تلگراف اظهار اطلاع می کردند میگفتند برای اداره پست فرستاده می شود این مطلب محتاج به تحقیق بود و البته تحقیق کردیم این تبره های که فرستاده می شود برای چیست و رئیس پست می تواند به مصرف برساند یا خیر و بر کس جواب رسید که این تبره ها را برای رئیس پست می فرستند و اداره پست او می تواند بمصرف برساند و از برلر مجمع اتحاد پستی تلگراف رسید که این تبره ها را برای اداره پست می فرستند و اداره پست بهر مصرفی که بخواهد می تواند در واقع مضمون هر دو تلگراف یکی بود حالانته

این تبره ها برای دولت چیست بطوریکه عرض کردم مقتضی نیست این تبره های را که برای مغزن پست می فرستند دولت بفرستد در بازار اروپا بفروش برسانند بنا بر این نتیجه که می توان تصور کرد این است که اگر در وزارت پست یک موزه باید باشد مقتضی است از این سری های تبر بین المللی یک کلکسیون در آنجا باشد این مطلب صحیح است ولی در مدت مدیدی که مولیتز رئیس پست بوده هیچ دستوری از طرف وزارت پست باو داده نشده بود که تو یک موزه یک کلکسیون از تبره های مختلفه مرتب کن و از این جهت نمی شود باو ایراد کرد که چرا تو موزه ترتیب ندادی ولی برای رفع اعتراضاتی که نسبت باو می شود بنده اینطور مقتضی دیدم باو تکلیف کنم یک سری یک تبر از ابتدای مدت خدمت او تا انتهای تصدی خود تهیه کند و معاناً بدون اینکه از دولت تقاضای وجهی بکند در اسرع اوقات بدولت برساند من پیشنهاد کردم در ظرف سه ماه آن سریها را حاضر کنند و نظر باینکه در ظرف سه ماه تهیه آن تبره ها اشکال داشت تعهد کرد و تمهیدنامه که بسیار متعین بود برای وزارت پست و تلگراف فرستاد که در ظرف چهار ماه این سریها را تهیه کند و به وزارت پست و تلگراف بفرستد البته آقایان تصدیق می فرمایند گرفتن یک چنین نامه شوخی نبوده و جدی بوده است و بعد از گرفتن البته آقایان مضطربند و از وزارت پست و تلگراف ضبط می شود یا در کتابخانه مجلس در این صورت گمان می کنم با توضیحاتی که عرض کردم خود شاهزاده سلیمان میرزا تصدیق بفرمایند این یک دارائی معلومی نبوده است که دویست یا سیصد هزار تومان حساب کنیم و بگوئیم مطابق قانون اساسی دولت و مولیتز مشغول هستند عرض کردم برای تبره های باطله بوشهر نمی شود قیمتی تصور نمود و اولاً وقتی مولیتز آنها را مبادله کرد قیمت این تبره ها شاید به پنج شش هزار و هفت هزار فرانک هم بالغ نباشد است و اینکه می فرمایند در کاتالیک قید شده یکی دوسه لیره قیمت داشته است هلش این است که در آن موقع آن تبره ها ناباب بوده کاین قیمت را داشته است و اگر زیاد بود البته این قیمت را پیدا نمی کرد و این قیمت پس از مدت مدیدی بوده است و در موقعی که او مبادله کرده است قیمتی نداشته پس این را نمی توان یک دارائی برای دولت تصور کرد مسئله تبره های بین المللی هم دارائی برای دولت نیست زیرا چیزی است که که برای اداره پست می فرستند و به عبارتی آخری رئیس پست بهر مصرفی که بخواهد میتواند برساند در صورتی که مولیتز یک سری از این تبره ها را برای مغزن پست می فرستد گمان می کنم رفع این ایراد هم بشود زیرا

بفرض اینی که دولت محتاج باشد داشتن یک سری کافی است و نمی شود تصور کرد که این یک دارائی بوده است که بدست مولیتز تقریب شده و قانون اساسی هم در این موضوع مورد ندارد و گمان میکنم آقایان تصدیق می فرمودند که در مقابل خدمات مهمی که مولیتز کرده و در تعقیب همین نظریه شاهزاده سلیمان میرزا یعنی برای تشویق و قدردانی مقتضی بود یک چنین ایراد غیرموجهی را نسبت بمولیتز آن هم در صورتی که با این ترتیب جبران می شود دولت قابل توجه قرار نداده و او را تبرئه کند باین نظر بوده است که دولت او را تبرئه کرده اما بجه مناسب دولت مولیتز را مأمور کرد برای اطلاع آقایان عرض می کنم که مولیتز در خدمت دولت ایران نیست و رئیس میسیون هم نبوده است نظر باین که مولیتز از ابتدای کنفرانس مادرید در اینکار سابقه و بصیرت داشته و مذاکرات کرده و تمام مطالب از نظر او گذشته و از نقطه نظر این که اشخاص با اطلاعی از طرف عراق حرب و مثل آرنالوین رئیس کل پستخانه بمبئی مأمور شده اند البته دولت نمی توانست برای همچو کار مهمی یک مستخدم بدون تجربه را بفرستد سایر مستخدمین وزارت پست که مأمورین مجری نیستند دولت نمی توانست یک همچو مأموریت مهمی را رجوع کند و به همین نظر است که دولت بمجلس پیشنهاد کرده است بیک نفر مدیر کل اروپائی استفاده چون دولت نمی توانست چنین مأموریت مهمی را باین مستخدمین فعلی بلژیکی واگذار کند و از طرف دیگر مولیتز یک اطلاعات و تجربیاتی هم داشت که لازم بود در این موقع از وجود او استفاده بشود این بود که دولت او را یکی از اعضاء میسیون قرار داد که نظر به اطلاعات و بصیرتی که دارد نگذاشت هیچ مصلحتی از مصالح ایران در این موقع فوت شود و باز هم عرض می کنم مولیتز فلان در خدمت ایران نیست و فقط نظریه تجربیاتی که داشته است دولت خواست موقتاً از وجود او استفاده کند و اما راجع به بلیط مجانی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند لازم است در اینجا عرض کنم این بلیط های مجانی سابقاً هم معمول بوده است و بعضی اشخاص یک مساعدت و رعایت هایی میشد و در این صورت هم ملاحظه فرموده اید بعضی افعال هست که اگر تأتیب تجدید نظر بفرمایند معلوم خواهد شد لازم بوده است دولت این کمک ها را بکند مثلاً برای بعضی علماء که از عتبات عالیات آمده اند و به مشهد مقدس میرفته اند دولت دوسه دستگاه کالاسکه مجانی داده است یا مثلاً مأمورینی که لازم بوده است بهر صورت از طرف وزارت عدلیه با ستر آید بروند بلیط یک دستگاه کالاسکه مجانی داده



معلومات لازمه و شرائط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوط را دارا باشند و این پیش نهاد بایش نهاد آقای مدرس خیلی فرق دارد اما این که آقای مغیر فرمودند پیش نهاد بنده نوشته شده است معلومات کافی و معلومات کافی نیست . اولاً معلومات کافی نیست و معلومات لازمه است به علاوه همین ماده سوم است ماده سوم را می خوانم .

ماده سوم — علاوه بر شرائط مندرجه در ماده دودوطلبان خدمت رسمی در ادارات و وزارت خانها باید معلومات لازمه و شرائط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوطه را دارا باشند و پیش نهاد بنده در حقیقت يك استثنائی است برای ماده سوم قانون استخدام جامع الاطراف هم هست و اگر معلومات لازمه را دارا هستند چه جهت دارد که قید بکنیم از منشی دومی بیشتر ترقی نخواهد کرد . باید مدیر شعبه هم بشود و به تمام درجات مندرجه در قانون استخدام ارتقاء باید اگر هم معلومات لازمه را دارا نبودند اصلاً در اداره پذیرفته نمی شوند

رئیس - آقای سهام السلطان (اجازه)

سهام سلطان - اساساً مذاکرات روز قبل مان رافرموش کرده ایم این پیشنهاد اصلاً برای این شد در ایالات ولایاتی که مدارس متوسطه نیست تا موقعی که مدارس متوسطه تأسیس شده است تحصیلات شش کلاسه ابتدائی برای دخول در ادارات کافی باشد و ابتداء هم این پیشنهاد از طرف آقای شیخ الاسلام شد و قابل توجه شده به کمسیون آمد و کمسیون هم در آن پیشنهاد اظهار عقیده کرد و راپورتش را به مجلس تقدیم نموده در مرحله ثانی کابین مسئله در مجلس مطرح شد باز هم مذاکرات در همین موضوع بود که در ایالات ولایات نازمانی که مدارس متوسطه تأسیس نشده است تحصیلات شش کلاسه ابتدائی کافی است بعد آقای مدرس در همان جلسه پیشنهاد کردند که باز در همین زمینه بود که تا موقعی که در ایالات و ولایات مدارس متوسطه تأسیس نشده است تحصیلات مدارس ابتدائی کافی است

بعد پیشنهاد دیگری هم شد بعضی ها فرموده بودند که باید بعضی معلومات را هم علاوه بر تحصیلات ابتدائی دارا باشند بعضی ها عقیده داشتند که آن معلومات اضافه لازم نیست بالاخره تمام این پیشنهاد روی تمام این پیشنهادها را نوشت و بعضی علم فرموده بودند که اولاً آن معلومات لازم نیست و کمسیون در این باب تمام نظر را راجع کرد و این راپورت را داده ولا اگر آن نظری باشد که آقای تدین

اظهار کردند این مسئله در ماده سه خود قانون استخدام نوشته شده که اشخاصی که باید دارای معلومات لازمه اداری باشند پس این ایرادها برای این است که ماده را تغییر بدهیم و اگر بنا باشد تغییری داده شود و معلومات ابتدائی هم قید شود تصور کنیم بطوری که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا هم فرمودند این قانون بدر نمی خورد زیرا هر چه چهارده ساله معلومات شش کلاسه ابتدائی را دارد و این کسی که شما می فرمایید با ترتیبات قدیمه تحصیل کرده باید آن هم بعقیده بنده دارای آن معلومات باشد و گمان کنم این ماده کفایت می کند تمام نظریات آقایان را حالا اگر بخواهند اوصار در اندام ممکن است چیز دیگری پیشنهاد کنند و کمسیون مراجعه کرده و بعداً ارسال دارد ولی با این ترتیب تصور می کنم قانون استخدام تا آخر سال معطل بماند و به همین حال باقی باشد .

رئیس آقای محمد هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - در باب پیشنهاد خود آقای تدین توضیح دادند معلوم شد که آقای مغیر کمسیون غفلت کرده اند که این پیشنهاد یکی است و بنده هم عرض نکردم اهالی کون آباد بی سوادند عرض کردم آنجا مدرسه ابتدائی نیست و یازده مدرسه قدیمه دارد و قدماً در آنجا مدرسه تأسیس نموده اند در يك ناحیه که پنجاه پارچه داود یازده مدرسه قدیمه دارد در صورتی که هنوز مدرسه ابتدائی در آنجا هادائر نیست و تلگراف هم در این موضوع شده است و نوشته اند ما که حقوق معارف می دهیم يك مدرسه ابتدائی و يك طبیب نداریم بنده نمی خواهم آن تلگراف را بخواهم والا تلگراف بهر علماء آنجا است که نوشته اند نه طبیب و مدرسه ابتدائی نداریم

و این که آقای مغیر با سایر آقایان می فرمایند فرقی ندارد بنده عرض می کنم اگر فرق ندارد چرا قبول می کنند این که می فرمایند این مذاکرات اسباب تأخیر قانون استخدام می شود بنده عرض می کنم هیچکس نمی خواهد قانون استخدام عقب بیفتد و بنده که یکی از مخالفین هستم باین حرف ازمیدان دونی زور می گویم در آنجا بخیال تأسیس مدرسه بیافتد بعضی اشخاص از قبیل شوکت الملک و سردار مرز در آنجا مدرسه دائر کردند و آقای دانش الان حاضرند و خودشان در عهد مدرسه متوسطه را تشکیل دادند مقصود این است سواد را نباید متعلق نموده با مدرسه متوسطه زیرا ممکن است کسی خط خوب و سواد کافی داشته باشد و مثلاً فقه و اصول و غیره را بداند بطوری که رئیس معارف

باید نزد اودرس بخواند آنوقت بابچه هائی که پنجسال درس خوانده اند باید مطابق شود مامم نگفتم این شخص تحصیل کرده وزیر بود می گوئیم اگر خطش خوب است منشی دوم و منشی اول وثبات افلا بشود بنده عقیده لا مرکزیت ندارم و هیچکس مقصودش لا مرکزیت نیست ولی می گویم صدیک از این نعمت هائی که برای اهالی طهران معین شده برای ولایات هم معین نمایند و آنها را هم متمتع کنید معنای این عقیده لا مرکزیت نیست ما می گوئیم این پول هائی که از آنجا گرفته می شود افلا ده يك صدیک آنرا به مصرف خود اهالی برسانند البته ایران جامعه است جامعه ایرانیت خاک نیست . فقط مذهب ما است که بهترین مذاهب و بهترین پیشرفت مقاصد است و از تمام مذاهب بهتر و بالاتر است علاوه بر این خاکمان هم یکی است و همه ایرانی هستیم و همه هم کیش و هم وطن می باشیم و امکان ندارد تصور شود کسی خیال تجزیه داشته باشد و این مسائل نباید بکنایه و استعاره گفته شود اما عده مستخدمین اگر بدقت ملاحظه شود و در پیرسنل نگاه کنند می بینند مستخدمین ایالات و ولایات دولتش از طهران است و بیچاره اهالی ولایات که تحصیل کرده اند و زحمت کشیده دارای معلومات شده اند باز باید معرور باشند و تصور می کنم اگر چنانچه معلومات لازم محدود باشد ضروری ندارد سایرین هم استفاده کنند و بطوری که آقای تدین پیشنهاد نموده اند اگر بهمان ترتیب نوشته شده خوب است که هر مستخدمی وقتی سواد و خط کافی داشت انشاء و املا داشت دیگر نباید او را معرور کنیم و اگر ما بخواهیم برای هر ماده يك فصل بنویسیم نمی توان قانون بگنجانیم به عقیده بنده آن پیشنهاد آقای تدین هم عملی و هم بلا اشکال است و خوب است بهمان رای بدهیم

و این که آقای مغیر با سایر آقایان می فرمایند فرقی ندارد بنده عرض می کنم اگر فرق ندارد چرا قبول می کنند این که می فرمایند این مذاکرات اسباب تأخیر قانون استخدام می شود بنده عرض می کنم هیچکس نمی خواهد قانون استخدام عقب بیفتد و بنده که یکی از مخالفین هستم باین حرف ازمیدان دونی زور می گویم در آنجا بخیال تأسیس مدرسه بیافتد بعضی اشخاص از قبیل شوکت الملک و سردار مرز در آنجا مدرسه دائر کردند و آقای دانش الان حاضرند و خودشان در عهد مدرسه متوسطه را تشکیل دادند مقصود این است سواد را نباید متعلق نموده با مدرسه متوسطه زیرا ممکن است کسی خط خوب و سواد کافی داشته باشد و مثلاً فقه و اصول و غیره را بداند بطوری که رئیس معارف

مثلاً اگر تمام مردم بچه اشان را به مدرسه می آورند جامی خواهد میزونیست می خواهد و دولت نمی تواند از همه بر آید .

در هر صورت باز هم عرض می کنم بعضی از نقاط ایران است که پنجاه هزار نفر سکنه دارد و هنوز مدرسه ابتدائی در آنجا ها تأسیس نشده و اگر اهالی آنجا مدتی زحمت کشیده اند نباید آنها را بی اجر گذاشت و اگر این ترتیب باشد در امتیاز فضلی بکلی ازین خا بحد رفت و باید طوری شود که امتیاز فاعلی روز بروز رو بترقی و تعالی برود

این که جلو گیری شد، است که حق ارتقاء ندارند مگر این حقه تحصیل متوسطه را دارا باشند یا مجدداً میروند و تحصیلات کنند

ناحق ارتقاء پیدا کند این غیر عملی و بعقیده بنده همان پیش نواد آقای تدین عملی تر است هر چند آقا مغیر هم قبول کردند که بآن پیشنهاد رای گرفته شود برای این که زود تر این قانون بگذرد خوب است آن رای گرفته شود و دیگر بکمسیون نرود

مغیر - برای این که زیاد معطل نکرده باشم قبول می کنم همین الان به پیشنهاد آقای تدین رای گرفته شود و اگر آقایان لازم میدانند اصلاً معلومات لازم نیست بنویسند و ما هم قبول می کنم

رئیس - آقای آروسی (اجازه)

حاج شیخ محمد حسن گروسی مقصود ما این نیست اشخاص بی سواد داخل در ادارات دولتی بشوند بلکه مقصود این است اشخاصی که در نقاط دور دست که مدارس متوسطه در آنجا ها وجود ندارد هستند معرور نباشند مثلاً فرض بفرمایید در ولایات بعضی اشخاص هستند که زحمت کشیده و با سوادند و باید لایق وزارت هم باشند بآنها نباید درجه معلمی داد برای این که چون داخل در مدارس جدید نموده و بسببکی که حالا معرور است متعیر نیستند و اگر فرضاً دارای فضل و کمال و انشاء خط و سواد و همه چیز باشد باز نباید داخل شوند مگر سابقاً فزلا و علماء و استوفی های قریب نبودند که در ولایات و کناف و در همین تهران کار می کردند حالا هم همین اشخاص بجرم این که چرا در مدارس متوسطه یا ابتدائی بطرز جدید تحصیل نکرده اند چرا باید معرور شوند

این مسئله به عقیده بنده بسیار بد است چه علت دارد بکمی که تمام مراتب علمی را حائز است فقط برای این که تصدیق نامه در دست ندارد گفته شود تو در استخدام ادارات قبول نخواهی شد ولی از آن طرف کسی که معلومات ندارد فقط بمجرد داشتن تصدیق نامه باید پذیرفته

شود مقصود مخالفت ما از این راه است نه این که آقای مغیر بفرمایند اشخاصی بی سواد را هم می خواهید داخل کنید بنا بر این عقیده بنده هم این است که بهمان پیش نهاد آقای تدین اگر رای گرفته شود بهتر است زیرا جامع تر و عملی تر از سایر پیش نهاد ما است بنده باین پیشنهاد رای می دهم ولی پیشنهاد آقای مدرس رای نخواهم داد

غرض این است در ایالات و ولایات کسانی که معلومات دارند ولی تصدیق نامه ندارند از ورود بادارات محلی محروم نباشند

مغیر - پیشنهاد آقای تدین را قبول می کنم

رئیس - مذاکرات سکامی است

(گفتند کافی است)

رئیس - آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده هم عقیده ام این است که پیشنهاد آقای تدین رای گرفته شود و پیشنهاد خود را مسترد می دارم

رئیس - رای می گیریم باین ماده العاقبه آقایانی که این ماده العاقبه را تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد مذاکرات در کلیات است

آقای شیخ الاسلام اصفهانی (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - بنده میخواستم سؤال کنم این ماده العاقبه که رای گرفته شد مال آقای تدین بود ؟

رئیس - بلی پیشنهادی از طرف آقای معتدلالتجار رسیده خوانده می شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست جلیله مجلس شورای ملی - پیش نهاد می کنم ماده ذیل ضمه قانون استخدام شود:

ماده العاقبه - برای رسیدگی به سوابق مأمورین فعلی ادارات دولتی و تعیین رتبه های آنها کمسیون تحقیق مرکب از رؤساء اولیه ادارات دولتی که اعضاء آن از مأمورین ایرانی و خارجه خواهد بود مؤتفاً تشکیل می شود و باید تا شش ماه کمسیون مذکور تحقیقات و تفتیشات لازمه کرده در صورتی که از مستخدمین مذکورده مهم یا مظلون بسوابق مشکو که باشد رجوع بمعک صالحه نمایند و بعد از معاکه و برزات آنها رسمیت شان تصدیق خواهد شد

مغیر - این عمل چیز خوبی است بلکه در قانون استخدام داخل نیست و این اصلاح حال حاضر وزارت خانه ها

باید يك کمسیون هائی در وزارت خانه ها تشکیل شود و بسابقه اشخاص رسیده کی شود ولی باید يك ماده علیحده نوشته شود و ضمیمه شود که امتحان معلومات را نکنند و به بینند اشخاص شایسته هستند یا نه و این مسئله خیلی خوب است ولی جزو قانون استخدام نیست

رئیس - آقای معتدلالتجار (اجازه)

معتدلالتجار - این قانون استخدام که از مجلس می گذرد بهترین قانون ها است ولی بعقیده بنده يك نقص دارد که اگر رفع شود مقصودی که آقایان از وضع این قانون دارند حاصل خواهد شد و بطوریکه در این قانون تصریح شده است ابتدای اجرای این قانون از اوایل حمل خواهد بود و البته اشخاصی که بعد از حمل داخل در ادارات خواهند شد باین شرایط داخل شده اند حالا از ماده ۶۶ این قانون استفاده خواهند نمود و همان طوریکه اشخاص خوب هستند اشخاص بد سابقه هم داخل در آن ها می باشند

مثلاً اشخاصی هستند که بر ضد حکومت ملی و مشروطیت قیام نموده اند یا اشخاصی هستند که فساد عقیده دارند یا اختلاسات عمل کرده اند یا کسانی هستند که در تحت نفوذ اجانب در ادارات دولتی داخل شده اند و ممکن نیست این اشخاص بملک خدمت کنند و اگر بنا شود بدون تحقیق بسوابق آنها رسمیت آن ها را تصدیق کنیم اولاً بین خائن و خادم فرقی گذارده نمی شود و ثانیاً این وقت ادارات نامنظم کشد و مأمور صحیح العمل و وظیفه شناس نخواهیم داشت این بود که يك پیشنهادی در سابق بنده و آقای فیوضات با هم نمودیم که در تحت نظر مجلس يك کمسیون تشکیل شود . آن پیشنهاد را کمسیون عملی ندانسته بود و رد کرد این بود که این پیشنهاد شد حالا اگر آقایان مایل نباشند ممکن است استرداد کنم

(گفتند - بلی صریح است)

رئیس - مذاکرات در کلیات قانون استخدام است - مخالفی نیست؟ (جمعی اظهار نمودند خیر)

رئیس - رای می گیریم بیکله قانون استخدام آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(قریب با اتفاق قیام کردند)

رئیس - تصویب شد - چند دقیقه تعطیل است

در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

رئیس - بودجه هدیه از ماده بیستم مطرح است (آقای امیر ناصر ماده بیستم

رافراغت نمودند)

مرکز استیثبات آذربایجان فارس خراسان کرمان ۲۷۵۴۰

رئیس - آقای دولت آبادی (اجازه)

حاج میرزا علی محمد دولت آبادی در موقعی که این بودجه مطرح شد یکی دو مطالب مذاکره شد یکی این بود باید آنچه مخارج زیادی است و محل احتیاج نیست آنها را حذف کنند از جمله يك شعبه استیثاب بود که گفتند زیادی است و باید حذف شود

یکی دیگر يك نفر مدیر اداره امور بود که گفتند چون لازم نیست باید حذف شود و آقایانی که در کمسیون بودند همه اطلاع دارند که اعتباراتی که داده شده مفید شد بطوریکه آقای معاون وزارت عدلیه در این موضوع استیثاب یا فشاری فوق العاده کرد و معلوم شد که می خواسته انداز رای ما استفاده کنند و شعبه چهارم را برقرار و دائر نمایند این بود که موقت کرده شعبه چهارم را خارج کردیم این دور روزه باز می شنویم که بقیه اداره امور را ایشان تعقیب کرده و آن يك نفری که در کمسیون زدیم و وجودش را زائد دانستیم و رای دادیم حالا باز میخواهند بیفزایند

بنده چون با آن شرائط آنطور موافقت کردم رفقای پارلمانی هم معنی آنها می کردند می دانند که باین شرایط و قیود این اعتبارات را بایشان دادیم اگر بنا باشد از اختیاراتی که بایشان داده شده سوء استفاده بکنند و برخلاف رای ما رفتار کنند اعتماد ما سلب میشود و عجباً تا همین ترتیبی که قرار گذاشته ایم رای بدهیم بنده میخواستم آقای مادل یاوزیر عدلیه هم حاضر باشند و در حضور ایشان عرض کنم که باید نهایت صرفه جویی را بنمائیم و مخارجی که لازم نیست حذف شود مثلاً از آن جمله یکی همین ماده است که مطرح است که شاید بالغ برسی - چهل هزار تومان است و برای اینکه مطمئن باشیم که مطابق دستور رفتار خواهند کرد بهتر این است اول فکری بکنیم که باین ترتیبی که داده ایم مخالفت نشود بعد رای بدهیم

مغیر - اشاره که آقای دولت آبادی بدعا کراتی که در کمسیون حاصل شده است فرمودند آنها را بنده سابقه ندارم ولی در کمسیون بودجه وقتی که این مسئله مطرح بود نسبت بداره امور هدیه يك هجده ترتیبی داده شده و به همین صورتی که نوشته شد تصویب شد و اگر خاطر آقایان باشد در این موادی که برای بودجه ترتیب دادیم بمدای مذاکرات زیاد آن ماه گذشته را بطور اعتبار تصویب

کردیم و مال این سه ماه اخیر را قرار شد به همین ترتیبی که در این جا نوشته شده است ریش را رای بدهیم و اصلاحاتی که بعد می شود برای سال آتی مطرح خواهد شد آن روزی که بنده در کمسیون بودم این طور صحبت شد و بطوری که در مجلس مذاکره شد يك شعبه استیثاب حذف شود و آقای معاون وزارت عدلیه هم باین ترتیب را قبول فرمودند که يك شعبه حذف شود

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

حاج سید محمد باقر دستغیب بنده در وقتی که این لایحه مطرح شد و شور در کلیات بود مخالف بودم و حالا هم بانام موادش مخالف خاصه باین ماده اولاً راجع باستیثاب آذربایجان و فارس و کرمان و خراسان بنده هم راجع بتشکیلاتش مخالفم و هم راجع ببودجه اش اما مخالفت باطرز تشکیلات برای این است که عده از ولایات را زیر پا گذارده اند

بنده نمی دانم وزارت عدلیه چه نظری داشته که درباره بعضی از ولایات عقیده مند شده که آنها را از حقوق عدالت محروم نماید برای بعضی از آقایان شعبه حاصل شد و هم چو فرض کرده اند که بنده عرض نکردم بتدریج باینکه معاکم استیثاب لازم دارد ولی اولاً حوزه هدایت که می خواهد - حالا چون راجع باین ماده است عرض می کنم که اصفهان يك جائی است که معکبه استیثاب لازم دارد در صورتی که در این جا معکبه استیثاب برای اصفهان منظور نشده حالا شاید بعضی از آقایان نمایندگان اصفهان مخالف باشند که در اصفهان استیثاب تأسیس شود آن يك موضوعی است که راجع

بعقاید محلی است ولی بنده در سهم خودم چون اطلاعاتی دارم عرض می کنم اصفهان يك جائی است که مقتضای هر گونه عدالت و تناسب معکبه استیثاب لازم است دارد همین طور گیلان هم مستحق داشتن معکبه استیثاب است برای خاطر این که فرضاً از استیثاب ترقیه و راحت حال عموم است زیرا اگر مقصود از استیثاب مثل تمیز است که باید در مرکز باشد يك معاکه استیثاب هم در مرکز کافی است و اگر فرض اسباب سهولت کار مردم است که عرض می کنم چطور گیلان نباید استیثاب داشته باشد ؟ یا چطور اهالی اصفهان برای اتمام کار خودشان باید بطهران یا شیراز بروند این است که بنده مخالفم و عقیده دارم که در گیلان و اصفهان هم معکبه استیثاب باید دائر شود اما در مسئله بودجه اینجا می نویسد مدد معاش پنجاه تومان این پنجاه تومان اضافه بود و هر ماه بتوان مدد معاش بنده هیچ نمی فهم

یعنی؟ اگر این پنجاه تومان جزو حقوق صدوسی تومان است که خوب است برخورد موجب اصل مبلغ اضافه شود اگر مقصود از این مدد معاش ملاحظه شخصی است که ما حقوق را با شخص نمی دهیم بلکه ما حقوق را برای مقام تصویب می کنیم و بنده هیچ فلسفه نمی بینم که وزارت خانه برای ملاحظه اشخاص پنجاه تومان هم در ماه بکسی که صدوسی تومان موجب دارد بعنوان مدد معاش اضافه بدهد و این مسئله هیچ منطقی ندارد و آن توضیحاتی که آقای مغیر دادند بنده را قانع نکرد چون ایشان فرمودند سه ماه بیشتر با آخر سال باقی نمانده بنده هم باین ملاحظه در بعضی موارد اکتفا کردم و عقیده داشتم و گفتن خوب است برای یک اعتباری وزارت عدلیه بدهند تا این که بودجه صحیح نوشته شود گفتند خبر این سه ماه هم باید از روی تشکیلات باشد بنده چون این تشکیلات را هم عملی نیبینم معتقدم که برهم بزنند همین طور یک اعتباری وزارت عدلیه برای این دوسه ماهه بدهند تا اینکه برای اول حمل طرز تشکیلات آن وزارت خانه را تمام و بودجه آن را تعیین کرده و از مجلس بگذرد و برای سال نو و اول حمل بوقع اجرا گذاریم خلاصه این که چون بنده این تشکیلات فعلی را عملی نمی بینم لذا مخالفم.

رئیس - آقای آقا سید فاضل (اجازه)

آقا سید فاضل - مسئله لزوم و عدم لزوم استیناف که آقای دست قیب اشاره فرمودند با حضور وزراء و معاونین آنها مکرر رسیدگی و مذاکره شد اما این که تصور می فرمایند مشکل است این ولایات اریه یعنی اصفهان و گیلان و همدان و آذربایجان استیناف نداشته باشد بنده عرض می کنم چندان مشکل نیست برای اینکه ممکن است مستألف تلگرافی استیناف بدهد یا تلگرافاً برای انجام کار خود وکیل بگیرد.

پس این چندان مشکل نیست و همان چهار استیناف کافی است اما چون بنده خود در کمیسیون بودجه هستم و از آنجا هم اظهار کردم راجع بعدم تناسب حقوق رئیس و عضو استیناف مخالف آن طور که باید مثل سایر وزارت خانها ثباتی ملحوظ شده باشد نشده زیرا رئیس استیناف صدوسی تومان حقوق دارد در صورتی که عضو استیناف ۷۰ تومان موجب دارد بنده در کمیسیون که قانع نشدم ولی حالا اگر آقای مغیر دلا بلی دارند خوب است اظهار بفرمایند تا بنده قانع شوم تناسب حقوق رئیس و اعضاء همان دولت يك ثلث يك سوم است یعنی معمولاً حقوق روسا يك ثلث اضافه تر از حقوق اعضاء است

ولی در اینجا ابد این تناسب ملحوظ نشده و اگر آقای مغیر جواب ثانی دارند خوب است اظهار بفرمایند

رئیس - آقای حاج میرزا علی محمد دولت آبادی - اینکه شاهزاده نصرت الدوله فرمودند این مذاکرات در کمیسیون خاصی شده بنده بودم و قبل از این مذاکرات ظرف دستجات مختلف و دیگران هر کدام دو نفر بودند و در آن جا يك چیزهایی قطع شد یعنی خود آقای معاون قبول کردند و گفتند محل احتیاج نیست من جمله يك مدیر برای امور دفتر بود چون با داشتن يك نفر مدیر می خواستند يك مدیر دیگر هم اضافه کنند ما گفتیم در صورتی که شما استیناف آبادی یاسر بزدر بطهران می آورند چه دلیل دارد که در تهران محاکم استینافی را زیاد می کنید و از آن محل ها کس می کنید خودشان هم قبول کردند و بالاخره توافق نظر حاصل و مسئله قطع شد حاله پس از اینکه مسئله ختم شد باز يك نفر را باسم مدیر دفتر زیاد کرده اند و حال آنکه آن رای که ما پریروز دادیم کاملاً مشهود بود که باید چیزهای خیلی ضروری را تشکیل دهند نه آن چیزهایی که لازم ضروری است

شده است این است که بعقیده بنده برای این مراکز استینافی يك صلیبه کافی نیست و باید دو یا سه صلیبه قرار دهند حتی عقیده ام این است که اگر محکمه تجارت را بردارند و در عوض بر تعداد صلیبه ها بیفزایند انفع تر خواهد بود والا تمام دعوای مردم متراکم مانده و اسباب زحمت اهالی خواهد بود

این است که بنده پیشنهاد میکنم که در مراکز استینافی ولایات سه محکمه صالح باشد

نصرت الدوله مخیر - آقای حاج شیخ اسدالله يك اشتباهی فرمودند در قسمت اول صفحه نه تشکیل يك صلیبه است ولی در صفحه بعدی نویسد شش محکمه صلیبه که دوتا در تبریز دوتا در مشهد و یکی در کرمان و دیگری در شیراز حالا اگر آقای حاج شیخ اسدالله عقیده دارند دو صلیبه برای تبریز کم است و بیشتر باید باشد آن مطلبی علیحده است ولی اگر مقصودشان بدم کفایت يك محکمه است آن نظر ایشان تأمین شده و در محکمه صلیبه معین شده است.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفته شد کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای شیخ الاسلام قرائت می شود

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در ماده بیستم ۲۰ بین حقوق قبیله صلح و امیز صلح تفکیک شود.

رئیس - آقای شیخ الاسلام (اجازه)

شیخ الاسلام اصفهانی - در جلسه که آقای مدرس بمقام ریاست جلوس فرموده بودند بنده این پیشنهاد را تقدیم کردم ولی آقای مدرس در ذیل امر رقوم فرموده بودند این مطالب اسباب حرف می شود این است که بنده در اصل مطلب توضیحی عرض نمی کنم زیرا توضیح را آن کسی که حقوق دوفت را مخطوط نوشته باید بدهد ولی راجع باین قسمت اخیر عرض می کنم اگر کسی می خواهد حرمی بزند بزند زیرا حرف منت گوینده را خسته می کند ما همه معتقدیم که باید دولت جیشیات مذهبی را حفظ کند و لازم ترین آن ها منزه کردن مقام قضاوت است که قاضی صلح هم برای محاکم و هم برای صلیبه که قبیله باشد معین شود. در موقعی که با همین آقای مدرس در انجمن ولایتی اصفهان بودیم ایشان فرمودند آن وقتی که صاحب کار تشریف می آورد پیشگاه و بونجه می خواهد و باید پول بدهم برونه کاه و بونجه بخرند البته حفظ حیثیات مذهبی خرج دارد و هر کس می خواهد حرفی بزند بزند ولی بعقیده بنده این فرض صحیح نیست و عقیده دارم

نصف از این بودجه باید صرف قضای صلح شود نهایت چون سه ماه بیشتر با آخر سال نمانده است از ذکر این سؤال و جواب ها خودداری میکنم

مخیر - مقصود از تفکیک رانفهمید چیست؟ زیرا رسم بودجه همین طور است که نوشته شده و اشخاص که حقوقشان با هم مساوی است باید يك ترتیب نوشته شده چنانچه ملاحظه می فرمایید پنج نفر بامور احضار و اجراء از فرانفری ده تومان حقوق می گیرند پنجاه تومان میشود و يك قلم نوشته شده همین طور هم دوفت امین صلح هر يك پنجاه تومان دارند مجبوسند تومان نوشته شده است

رئیس - پیش نهاد را چه باید بکنم؟

شیخ الاسلام - اگر این قسم است که توضیح فرمودند بنده پیشنهاد خود را مسترد میدارم.

رئیس - رأی می گیریم به ماده بیستم

آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده بیست و یکم قرائت می شود

(بعضیون ذیل خوانده شد)

حوزه های بدایتی ایالات پنج حوزه بدایتی برای سبزوار و نیشابور و قوچان و سیستان و قائنات - اردبیل - آستارا - بوشهر و بنادر - ۱۶۰۵۰ تومان

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع بقسمت معاون مدعی العموم - اگر نظر آقایان باشد بنده در جلسه قبل توضیح دادم که زیاد است و باید موضوع شده زیرا يك محکمه بدایتی كه تشكيل می شود يك وکیل عمومی یا يك نفر مدعی العموم برایش کافی است و نمی شود هر دو را تماماً قرارداد خوب است آقای مغیر این مسئله را توضیح بدهند

رئیس - آقای دست قیب (اجازه)

اتومبیل ایاب و ذهاب کرده اند و از وضعیات جغرافیائی اطلاع کامل ندارند میفرمایند کار استینافی را تلگرافاً صورت بدهند اما التفات می فرمایند که خود سگالات تلگراف بقدر گران تمام میشود. بعد می فرمایند جاه بهار جزو کرمان است. دیگر بدتر اگر تاحالا يك ایراد داشتم باین فرمایش دو سه ایراد پیدا کرده ام اگر چه بهار جزو بنادر است که بکرمان مربوط نیست و اگر جزو کرمان است پس به مناسبت در شمار بنادر محسوب داشته اند؛ باین ترتیب معلوم میشود عبارت غلط است و باید درست شود غرض این است اگر کسی دعوای استینافی داشته باشد برای آنستد تومان باید از جاه بهار بوشهر بیاید یا همین طور از بندر عباس و غیره آقایان ملاحظه بفرمایند این ترتیب بقدر گران تمام میشود؟ بنده باز هم عرض می کنم نه تنها با این ماده بلکه در تمام کلیات مخالفم چنانچه اوقاتی که مذاکرات در کلیات بود و بنده اظهار مخالفت کردم خود آقای معاون وزارت عدلیه هم تصدیق کردند که این تشکیلات نامفهوم و اصول بیشتر بر منفعت مرکزیها تمام شده است مثل اینکه وزارت خانه اصلاح مشرب رادروی هم گذارده و امی و از تشکیلاتی داده است کوئی ایران را طهران و طهران را ایران فرض کرده است و سایر ایالات ولایات و بنادر را از حقوق عدالت و تمدن محروم داشته و همه چیز را اختصاص بمرکز داده است و برای اینکه خیلی صدای ایالات هم بلند نشود گفته خوب است يك محکمه ابتدائی هم بولایات بدهیم که زیاد صدایشان در نیاید در خاتمه باز هم عرض میکنم این طرز عدالت و تشکیلات عدلیه درست نیست و عقیده دارم فعلاً تا يك اعتباری به عدلیه داده شود یا بودجه صحیح آن از روی تشکیلات اساسی نوشته شود والا با طرز فعلی مخالفم.

رئیس - آقای محمد هاشم میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده راجع به حوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند.

در صورتی که آستارا نزدیک اردبیل است و برای ساوجبلاغ حوزه معین نکرده اند و برای ساوجبلاغ مرکز مهمی است و يك صلیبه لازم دارد مثلاً برای مرند که اهمیتش کمتر از ساوجبلاغ است محکمه معین کرده اند و برای ساوجبلاغ معین نکرده اند.

معاون وزارت عدلیه - پنج حوزه معین شده است اردبیل و آستارا يك حوزه سبزوار و نیشابور يك حوزه سیستان و قائنات يك حوزه بوشهر و بنادر يك حوزه قوچان يك حوزه و ما هم مخالف نیستیم که يك حوزه هم برای ساوجبلاغ معین شود الان هم پیشنهاد می کنم که يك حوزه هم برای ساوجبلاغ معین شود

رئیس - آقای مستشار الملک (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم و چون عرایض گفته شد عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرایض بنده هم گفته شد فعلاً عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - چون آقای معاون تشریف آوردند بنده باز هم عرایض کردم تذکر میدهم عرایضی را که عرض کردم برای این ۳ ماه نیست چون این بودجه که حالا نوشته می شود يك زمینه برای بودجه تشکیلات سه آتی است و باید طوری نباشد که بعد از دو سه ماه دیگر که بودجه

آید راجع بصلحیه های حوزه استینافی ایالات اگر چه وقت گذشت ولی باز هم عرض میکنم که برای بودجه سال نو نباید قناعات بيك صلیبه بنمایند. مثلاً بعقیده بنده در شیراز یا کرمان یا صلیبه کم است در تمام خطه آذربایجان دو صلیبه معین کرده اند در حالتی که دعوای تاج چهار صد تومان را رسیدگی می کنند قطعاً بيك صلیبه نمی تواند با کثرت کار بتمام دعوای رسیدگی کند و ناچار يك قسمت از امور حقوق متراکم خواهد ماند برای اداره اجرا هم يک نفر کافی است و همین طور برای نرسندگی محکمه بدایت يک نفر کافی خواهد بود ولی جایی که يك محکمه بدایت دارد باید خود او نویسد که راتکفل کند و يک نفر نویسنده اضافه برای ه نفر مأمور اجرا زیاد است و البته اگر این يک نفر حذف شود بهتر است و اگر هم برای بودجه این ۳ ماهه آخر سال ممکن نیست برای بودجه سه آتی این مسئله را در نظر داشته باشند

نصرت الدوله - راجع بمسئله معاون یار که که آقای حاج شیخ اسدالله متذکر شدند که برای حوزه های ابتدائی يک نفر مدعی العموم کافی است و معاون زیاد است این مسئله صحیح است ولی راجع بيک نفر نویسنده چون باید مأمورین اجرا احکام را اجرا کنند يک نفر ثابت لازم است

رئیس - آقای محمد ولی میرزا (اجازه)

محمد ولی میرزا - بنده راجع به حوزه بندی آذربایجان ایراد داشتم زیرا برای آستارا و اردبیل هر کدام يك حوزه بدایتی معین کرده اند.

در صورتی که آستارا نزدیک اردبیل است و برای ساوجبلاغ حوزه معین نکرده اند و برای ساوجبلاغ مرکز مهمی است و يك صلیبه لازم دارد مثلاً برای مرند که اهمیتش کمتر از ساوجبلاغ است محکمه معین کرده اند و برای ساوجبلاغ معین نکرده اند.

معاون وزارت عدلیه - پنج حوزه معین شده است اردبیل و آستارا يك حوزه سبزوار و نیشابور يك حوزه سیستان و قائنات يك حوزه بوشهر و بنادر يك حوزه قوچان يك حوزه و ما هم مخالف نیستیم که يك حوزه هم برای ساوجبلاغ معین شود الان هم پیشنهاد می کنم که يك حوزه هم برای ساوجبلاغ معین شود

رئیس - آقای مستشار الملک (اجازه)

محمد هاشم میرزا - بنده موافقم و چون عرایض گفته شد عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - عرایض بنده هم گفته شد فعلاً عرضی ندارم

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - چون آقای معاون تشریف آوردند بنده باز هم عرایض کردم تذکر میدهم عرایضی را که عرض کردم برای این ۳ ماه نیست چون این بودجه که حالا نوشته می شود يك زمینه برای بودجه تشکیلات سه آتی است و باید طوری نباشد که بعد از دو سه ماه دیگر که بودجه

کافی نیست که بتوانیم در تمام قلمرو مملکت عدلیه داشته باشیم البته اگر بشود از این بهتر چیست و در صورتیکه بتوانند تشکیل بدهند همه موافقت و اینکه تشکیل نمیدهند از نقطه نظر اقتصاد و صرفه جوئی است والا گمان می کنم کسی مخالف با تشکیل محاکم در تمام نقاط مملکت نباشد.

رئیس - آقای مساوات (اجازه)

مساوات - این ماده بطور مجمل نوشته شده و آن این است که پنج حوزه معین کرده اند در صورتیکه اسامی که نوشته شده بیشتر از آن است و در سؤالی که يك نفر از آقای مغیر نمودند ایشان جواب دادند و هر دو محل يك حوزه دارد مثلاً سبزوار و نیشابور یکی اردبیل و آستارا یکی بوشهر و بنادر یکی سیستان و قائنات یکی خوب است در اینجا تصریح نمایند

مخیر - ممکن است بیش از این تصریح شود.

رئیس - آقای داور (اجازه)

میرزا علی اکبر خان داور - مطالب بنده را آقای مستشار الملک اظهار نمودند ولی می خواستم بآقای دست قیب عرض کنم که جغرافیای مملکت را شاید بعضی در نظر داشته باشند ولی از يك طرف ما می خواهیم حتی الامکان مخارج را تقلیل کنیم و از يك طرف می خواهیم در تمام نقاط ایران محاکمه بدایت و صلیبه داشته باشیم و این دو فکر البته مانعاً الجمع نیست از طرف دیگر نه ماهه از این سال گذشته و سه ماه دیگر بیشتر باقی نیست و در خارج عده از آقایان و کلاه از دستجات مختلف حاضر بودند و قرار شد بهتر ترتیبی که هست این بودجه را قبول کنیم و بعداً اگر اظهار داریم در بودجه سال آتی پیش نهاد اظهار کنیم و خواستم تقاضا کنم بیش از این این دو ماده را اشکال نکنند و بگذارند بگذرد که بودجه ها تکلیفش معین خود.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (جمعی گفتند کافی است)

رئیس - پیشنهاد آقای رکن الملک قرائت می شود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم در محاکم بدایت ایالات و ولایات که بیش از يك شعبه نیست فقط يك نفر مدعی العموم تصویب و وکیل عمومی حذف شود.

مخیر - این را که بنده قبول کردم و از مبلغ ۱۱۱۵۰ تومان حقوق این پنج نفر کسر شود ربع مازاد (۱۵۱۵۰) تومان خواهد شد.

رئیس - رأی می گیریم بماده بیست و یکم مبلغ پانزده هزار و صد و پنجاه تومان. آقایانی که تصویب می کنند قیام

فرمایند.

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده بیست و یکم سراب خوی ارومیه - مرند تربت - طبس سیستان - سبزوار - ترشیز - داراب - آباد و بهبهان - بندر عباس - سیرجان - رفسنجان ۱۲۰۰۰ تومان

رئیس - آقای عدل السلطنه (اجازه)

عدل السلطنه - راجع باین موضوع در خارج به آقای وزیر عدلیه هم تذکر دادم رفسنجان که اهمیت دارد از قلم انداخته اند و خود ایشان هم تصدیق کرده اند

معاون وزارت عدلیه - اگر آقایان تصویب بفرمایند دو محکمه صلیبه که مخارج هر محکمه دویست و پنجاه تومان می شود یکی برای ساوجبلاغ و دیگری برای رفسنجان دائر شود بنده پیشنهاد می کنم

رئیس - چندرا ضاه می شود

معاون وزارت عدلیه - دو محکمه صلیبه در ماه هر کدام دویست و پنجاه تومان در سالش هزار تومان ربش هزار و پانصد تومان می شود

رئیس - آقای دست قیب

حاج سید محمد باقر دست غیب

بنده باز هم می ترسم مطالب خود را عرض کنم آقای داور باز بفرمایند جغرافیای دامن البته آقای داور جغرافیای می دانند و این فرمایش که فرمودند البته تصدیق دارم که جغرافیای می دانند ولی این مطالب را اغتشاه کرده اند شازده محکمه صلیبه برای مراغه سراب ارومیه سیستان ترشیز داراب و غیره تاسیس کرده اند حالا در این جا عرض می کنم فارس ایالت است و بعضی از نقاط آن که سزاوار محکمه بدایت است صلیبه هم برایش قائل نشده اند این است که اگر کسی مثلاً در فسا یا داراب یا جهرم یا محکمه صلیبه کار داشته باشد باید بشیاز بیاید آقای مستشار الملک می فرمایند ما هم عقیده داریم که در تمام ایالات و ولایات عدلیه تشکیل شود منتفی این است که نظر به بودجه مملکتی داریم ولی تنها نباید این نظر را راجع بجهرم و فسا داشته باشیم و یا اینکه راجع بمحکمه ابتدائی بندر لنگه یا بندر عباس این نظر را داشته باشیم باید قدری هم بتشکیلات مرکزی نگاه کنیم نه اینکه بيك جا همه چیز بدهیم بيك جا هیچ ندهیم بنده موافق لایم گرفت نیستیم و مخالف هم نیستیم که وسائل تمدن در مرکز فراهم شود البته در مرکز باید بساط عدالت گسترده شود و محکمه هم باید بیشتر از سایر جاهادر مرکز دائر کرد برای اینکه از همه جا پانچا کار دارند و البته

مرکز از همه حیث مقدم است ولی نباید در مرکز همه چیز باشد و در ولایات هیچ نباشد و باید در ایالات ولایات هم این تشکیلات را برقرار کرد لهذا بنده مخالفم (اغلب از نمایندگان گفتند)

مذاکرات کافی است)

رئیس - رأی می گیریم بماده بیست و دوم که مبلغ سه هزار و پانصد تومان است آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد چون ظهر گذشته است جلسه ختم می شود جلسه آتی به روز شنبه دستور اولاً لایحه ملخ گیری ثانیاً لایحه مستعربات ثالثاً راپورت شعبه راجع بنمایند بوشهر پیشنهادی از طرف مغیر السلطنه رسیده است قرائت می شود (بدین هیچ تقریر شد)

این بنده پیشنهاد می کند هرچه زود تر از طرف مجلس بدولت اظهار شود که در محافظه تمبرهای باطله که قیمت ممتاز به دارد تأکید نمایند والا از این تاریخ تمبرهای باطله قانوناً در معرض یغما خواهند بود.

رئیس - میرود بکمیسیون مبتکرات آقای سردار مغفم (اجازه)

سردار مغفم - لوائی که به کمیسیون فوائد عامه مراجعه می شود اکثر آنها عام المنفعه است البته هر قدر زودتر تکلیف آنها معلوم شود بهتر است در چند فقره از این لوائی در کمیسیون شور شده و راپورتش بعرض مجلس رسیده تقاضای کنم افلا هفته یکی از آن هاجزو دستور شود و مذاکره در آن بشود یک فقره از آن لوائی که در کمیسیون شور شده و راپورتش تقدیم شده است راجع به افسیون راه آهن است و از قراریکه صاحبان اجازه اظهار می دارند می خواهند مسافرتی برای انجام این قضیه بنمایند لذا تقاضا میکنم راپورت کمیسیون جزو دستور شنبه بشود که در اول جلسه اگر مقتضی بدانند مذاکره شود تا تکلیف صاحبان افسیون که خیال مسافرت دارند معلوم شود

رئیس - در این باب کسی مخالف نیست آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - بنده با این پیشنهاد حضرت والا اساساً اصلاً و فرماً مخالفم خصوصاً اینکه جزو دستور روز شنبه بگذازند بنده معنی افسیون را نمی فهمم چیست چون بنده نمی فهمم که چه فایده برای ملکوت دارد لذا مخالفم جزو دستور پس فردا بشود

رئیس - آقای آقا سید فاضل

(اجازه)

آقا سید فاضل - بنده معنائش را فهمیده ام و مدت زمانی است که بنده این مطلب را شنیده بودم اما در اصل ماهیت داخل نمی شوم وقتی که داخل در ماهیت شدیم مخالفت را عرض می کنیم ولی عجلانها بمالینکه جزو دستور شود اما مخالفم بجهت اینکه لوایح مهمتری هست که مدتی است در کمیسیون گذشته و بهتر این است مقرر فرمائید آنها جزو دستور شود

رئیس - رأی می گیریم بپیشنهاد آقای سردار مغفم آقایانی که بپیشنهاد ایشان را تصویب می کنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - این لایحه هم جزو دستور شد.

رئیس الوزرا - آقایان در خاطر دارند که در چندی قبل بر حسب تقاضای متخصمین بلدی که جدیداً مستخدم شده است یک مهندس بلدی با چهار هزار دلار تصویب شد که از آمریکا استخدام شود و همین طور هم دستور داده شد اخیراً بموجب تلگرافی که رسیده است یک نفر مهندس لایق تری استخدام نموده اند و حقوق او را پنج هزار دلار تقاضا کرده اند این است که بموجب این لایحه دولت تقاضا دارد هزار دلار بر حقوق مهندس که سابقاً تصویب شده بود علاوه شود

رئیس - آقای نصرت الدوله

(اجازه)

نصرت الدوله - بنده راجع بدستور اجازه خواسته بودم و تصور می کردم که دوشنبه بیودجه تخصیص داده شده است ولی چون آقایان میفرمایند روز یکشنبه تخصیص داده شده است لذا استدعا می کنم یک لایحه راجع بامراض حیوانات است آن را هم اگر راپورتش موجود باشد برای روز شنبه یا یکشنبه جزو دستور شود تا زود تر تکلیفش معلوم شود

رئیس - در این باب مخالفی نیست

(اظهاری نشد)

وزیر پست و تلگراف - سابقاً یک لایحه از کمیسیون قوانین مالیه راجع به تفرقه جدید بستی مجلس شورای ملی آمد و در غور و اوش هم مذاکره شد این لایحه مدتی است بکمیسیون رفته و هنوز برنگشته چون دولت می خواهد دستور طبع تمبرهای جدید سلطان احمد شاهی بدهد استدعا می کنیم در اسرع وقت مقرر فرمائید راپورت شور ثانی هرچه زودتر بمجلس تقدیم شود که جزو دستور بیاید و بگذرد

رئیس - بسیار خوب تأکید می شود که زودتر تکلیفش را معین کنند.

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - پیش نهادی را که

آقای مغیر السلطنه نموده بودند بنده هم امضاء کرده ام و تصور می کردم لازم نیست برود بکمیسیون یک ماده واحد مستقلی بشود و این مطلب واضح و عملی بوده است و ممکن است همین جا هم با حضور دولت تصمیمی در این باب گرفته شود.

حالا برای روشن شدن اذهان آقایان تذکر میدهم که از قدیم معمول بوده است بستخانه تمبرهای خود را روی پاکات الصاق می کردند و هیچ وقت تمبرهای پنج قرانی و یک تومانی دیده نشده است که روی پاکات به چسباندند و در مملکت ما معمول است آن تمبرهای درشت را هم بر امانات پستی اختصاص می دهند و عوض اینکه روی امانت به چسباندند در دفتر بارنامه می چسباندند و می توان گفت همیشه این تمبرها در وزارت خانه هست بنا بر این این یک انحصاری است که دولت برای خود دارد و قبلاً در سال هفت هشت هزار تومان بطور مقاطعه می فروخته اند ولی حالا از قراریکه می گویند بیست و پنج هزار الی سی هزار تومان عایدی دارد چون پررور در ضمن استیضاح مذاکراتی شد و بعد رای داده شد زیرا آقای رئیس الوزرا اظهار نمودند این تمبرها قابل نیست ممکن است در خارج یک سوء تعبیری بشود که آقایانی که رای سفید داده اند شاید منظورشان این بوده است که این تمبرها اهمیت ندارد بنا بر این بعد از این هم اهمیت داده نخواهد شد اگر چه بنده گمان می کنم ایشان هم همچو منظوری نداشته اند زیرا اگر این منظور باشد اسباب خسارت برای دولت می شود و اگر در این مطلب توضیحاتی داده نمیشد شاید در خارج سوء تعبیری شد لذا آقای حاج مغیر السلطنه و بنده لازم دانستیم که بعرض مجلس برسانیم که بدولت تذکر داده شود که این تمبرها جزو مالیه دولت است و باید مثل مالیه دولت حفظ شود و حالا هم که آقای رئیس الوزرا تشریف دارند اگر ممکن است خودشان توضیح بدهند والا اگر به کمیسیون مبتکرات رجوع شود با کثرت کارهای که موجود است چندان موقعی ندارد این است که بنده تقاضا می کنم آقای رئیس الوزرا بفرمایند که در مجلس رای گرفته شود و اگر توضیح رئیس دولت کافی است توضیح بدهند که اسباب سوء تفاهم نشود وزیر پست و تلگراف - در این لایحه تمبرهای باطله مال دولت است حرفی نیست و به محل فروش هم میرسیده و جزو عایدی دولت هم محسوب می شده و این تمبرهای باطله که به بارنامهها الصاق می شود از تمام نقاط مملکت به مرکز می آید و ضبط می شود و یک مدتی آنها را نگاه می دارند و بعد که جمع شد می فروشند و مبلغ عایدی آن را درست نمی دانم ولی گمان نمی کنم

این قدرهایی که حضرت والا گفتند بشود. ولی در هر صورت اداره پست آن تمبرهای بارنامه را می فروشد و جزو حساب دولت می آورد و چیزی که آقای رئیس الوزرا فرمودند راجع به تمبرهایی بود که در موقع ورود قشون انگلیس سورشارژ شده بود و مقصودشان این بود که آن تمبرها را باید سوزانده باشند والا مقصودشان این نبوده که کلیه تمبرها قابل نیست و نباید جزو مالیه دولت محسوب میشود. (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملك

جلسه ۱۹۰

صورت مشروح مجلس یوم شنبه بیست و چهارم قوس ۱۳۰۱ مطابق بیست و هشتم ربیع الثانی مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید.

رئیس - گویا نسبت بصورت جلسه ایرادی نباشد؟

آقای نصیر دیوان

(اجازه)

نصیر دیوان - بنده نسبت بصورت مجلس عرض ندارم راجع بیک لایحه است که از اتحادیه تجار کرمانشاهان رسیده است از مجلس اجازه می خواهم که قرائت بکنم قبلاً هم از مقام ریاست در این باب استعجاز کرده ام

رئیس - مخالفی در این باب نیست؟ (گفته شد خیر)

نصیر دیوان - البته خاطر آقایان نمایندگان محترم مسبوق است که در همین مجلس مکرر آقای ارباب کپرسرو و سایر نمایندگان محترم راجع بخرید مسکوکات شرحی اظهار فرمودند و حالا هم یک لایحه از اتحادیه تجار کرمانشاهان رسیده و تقاضا کرده اند که این لایحه در مجلس قرائت شود تا مسبوق باشند و یک تصمیمی برای این کار اتخاذ فرمایند.

(لایحه فوق را بشرح ذیل قرائت نمودند)

در تاریخ پنجم ربیع الاول عملیات بانك شاهی را راجع بانك در هر ماه قریب يك كرور تومان قران حمل بخارج می نمایند بدولت تلگراف نموده و مخصوصاً متذکر شد که اگر چندی باین ترتیب بگذرد از طلا و نقره در ایران فقط و فقط اسمی باقی مانده و عملاً قریب ممالکات منجر بمعاوضه خواهد گشت از ریاست وزراء عظام جوابی رسید مبنی بر کلمه معموله وزارت خاها (تعلیمات کافی در جلو گیری از قاچاق داده شده) تعلیمات مزبوره از عملیات بانك بهیچوجه جلو گیری ننموده.

بلکه در هفته قبل سیصد و شصت صندوق قران (شاید پول طلا هم جوف صندوق)